

ما تیم گیتور و نه فقط طرفداران آن هستیم :

فراغت جدی و فوتبال در دانشگاه فلوریدا

چکیده

مفهوم فراغت جدی (استبیز، 1979، 1992) برای بررسی معانی، رسوم و رویه‌های مربوط به طرفداری از تیم فوتبال دانشگاه فلوریدا به کار رفت. به عقیده ما هواداران این تیم به خوبی نمایانگر طبقه فراغت جدی در بین افرادی است که فعالیتی دلخواه را دنبال می‌کنند. برای انجام تحقیق، مصاحبه‌های عمیق رو در رو با چهار زن و شانزده مرد از بین طرفداران انجام شد. مصاحبه‌ها مکتوب و سپس با استفاده از شیوه‌های مقایسه مستمر و داده بنیاد مورد تحلیل قرار گرفت (گلیزر و استراس، 1967؛ استراتس و کوربین، 1998 الف و ب). مضامین برخاسته از داده‌ها موید شش ویژگی فراغت جدی بود که استبیز به آن اشاره داشت. نتایج حاکی از آن است که هواداری از تیم فوتبال گیتور نه تنها منبعی از هویت فردی را به ارمغان می‌آورد، بلکه در جامعه ای با بخش‌بندی‌های فزاینده پست مدرن، به فرد نوعی حس تعلق می‌بخشد.

کلیدواژه‌ها: فراغت جدی، هویت، طرفداران فوتبال، حس تعلق

دباجه

در سراسر دنیا، ورزش موجب می‌شود توجه تمامی سطوح جامعه از شرکت کنندگان گرفته تا هواداران به رسانه‌ها، دولت‌ها و شرکت‌های چندملیتی جلب شود. دانینگ^۱ (1999) بیان می‌کند در طول تاریخ و در سراسر دنیا، هیچ فعالیتی این چنین مستمر به عنوان کانون دغدغه‌ها و علایق مشترک چنین خیلی عظیمی از انسان‌ها وجود نداشته است " (صفحه 3). با افزایش پیچیدگی‌ها و بخش‌بندی‌ها در جامعه مدرن (سیمل^۲، 1955) و اینک پست مدرن (دانینگ، 1999)، جامعه‌شناسان معتقدند جهان‌های اجتماعی و فرصت‌های هویت جمعی که در ذات ورزش نهفته است، به این مقوله اهمیتی فزاینده می‌بخشد. البته به گفته دانینگ " همانندسازی^۳ تیم‌های ورزشی می‌تواند به افراد نوعی دارایی هویتی مهم یا احساسات جمعی داده و زمینه‌ساز حس تعلق به چیزی را فراهم آورد که در نبود ورزش، به تجربه زیستی انزواگرایانه مبدل می‌شود" (صفحه).

طی سالیان گذشته، بسیاری از صاحب‌نظران به بررسی اهمیت اجتماعی ورزش در سطح خرد و زندگی هواداران و همچنین در سطح کلان جامعه پرداخته‌اند. در این تحقیقات موضوعاتی نظیر طرفداران ورزشی عمیقا متعهد (مک فرسون^۴، 1975)، همانندسازی " انطباق مثبت^۵" و " انطباق منفی^۶" (چالدینی^۷ و دیگران، 1976؛ کیمبل و کوپر^۸، 1992؛ لی^۹، 1985؛ وان و برانسکومب^{۱۰}، 1990)؛ سطوح همانندسازی در هواداران (اندرسون^{۱۱}، 1979، وان و برانسکومب، 1993)؛ سطوح رضایت طرفداران (مادرینگال^{۱۲}، 1995)؛ مشارکت هواداران (کرستتر و کوویچ^{۱۳}، 1997؛ شانک و بیزلی^{۱۴}، 2000) و هواداری^{۱۵} به عنوان تلاشی برای تعلق (اندرسون و استون^{۱۶}، 1981؛ دانینگ،

¹ Dunning

² Simmel

³ Identification

⁴ McPherson

⁵ Basking-in-reflected-glory (BIRGing)

⁶ Cutting-off-reflected-failure (CORFing)

⁷ Cialdini

⁸ Kimble & Cooper

⁹ Lee

¹⁰ Wann & Branscombe

¹¹ Anderson

¹² Madrigal

¹³ Kerstetter & Kovich

¹⁴ Shank & Beasley

¹⁵ Fandom

1999) مورد مطالعه قرار گرفته است. با این حال تا کنون بیشتر تحقیقات انجام شده بر روی هواداران ورزشی در ایالات متحده بر دانشجویان به عنوان هوادار متمرکز بوده است. از سوی دیگر، لازم است جایگاه هواداری ورزشی در بافت زندگی افراد درک گردد زیرا انسان‌ها در جریان زندگی از مراحل مختلفی عبور می‌کنند. وجه تمایز تحقیق پیش رو آن است که تلاش داریم به هواداران در بلندمدت توجه داشته باشیم که برخی از آنها حرفه خود در مقام هوادار را در دوران دانشجویی یا به عبارتی 50 سال قبل آغاز کرده‌اند.

گرچه اندیشمندان ورزشی به تحلیل ابعاد مختلفی از رفتارهای هواداری و نقش ورزش در جامعه پرداخته‌اند، جهان اجتماعی هواداران از دید صاحب‌نظران فراغت پنهان مانده است (جونز^{۱۷}، 2000). با توجه به اهمیت ورزش به عنوان شیوه‌ای اصلی در گذران اوقات فراغت در ایالات متحده و سراسر جهان، این مسئله تا حدودی عجیب به نظر می‌رسد. فلسفه هدایتگر محققان این پژوهش آن است که فراغت حوزه‌ای کلی مشتمل بر گونه‌های خاص تفریحات، ورزش و گردشگری است. به همین دلیل ما معتقدیم کاوشی عمیق در خرده فرهنگ ورزش در درک رفتارهای فراغت ضروری و قابل توجه خواهد بود.

متخصصان حوزه فراغت جهان‌های اجتماعی مختلفی را مورد مطالعه قرار داده‌اند که از هواداری مجزاست، از جمله شرکت‌کنندگان در کلوپ امریکایی کنل^{۱۸}، صیادان ماهی خاردار^{۱۹} که در مسابقات ماهیگیری شرکت می‌کردند، سازندگان خانه‌های عروسکی و پرندنگران^{۲۰}. نتایج نشان داد مشارکت در این فعالیت‌ها معمولاً منبعی از معنا و هویت برای افراد به همراه می‌آورد (برای مثال بالدوین و ونوریس^{۲۱}، 1999؛ بارترام^{۲۲}، 2001؛ کراوچ^{۲۳}، 1993؛ ایروین^{۲۴}، 1977؛ کلرت^{۲۵}، 1985؛ میتل استا^{۲۶}، 1995؛ اولمستد^{۲۷}، 1993؛ اسکات و گودبی^{۲۸}، 1992، 1994؛

¹⁶ Stone

¹⁷ Jones

¹⁸ American Kennel Clun

¹⁹ Bass

²⁰ Bird watchers

²¹ Baldwin & Norris

²² Bartram

²³ Crouch

²⁴ Irwin

²⁵ Kellert

²⁶ Mittestaedt

²⁷ Olmsted

استبینز^{۲۹}، 1979، 1992؛ یودر^{۳۰}، 1997). پرسشی که اینک به ذهن متبادر می‌شود آن است که آیا جهان‌های اجتماعی مبتنی بر ورزش در ایالات متحده به هواداران فرصت‌های مشابهی در زمینه همانندسازی و معنابخشی می‌دهند یا خیر؟

به نظر می‌رسد برای طرفداران فوتبال در دانشگاه فلوریدا، گیتور^{۳۱} بودن، منبعی مهم از معنا و هویت است که در طرز پوشش، صفاتی که در توصیف خود به کار می‌گیرند و بعضاً رنگ ماشین‌هایی که می‌رانند یا مکان‌هایی که در آنها زندگی می‌کنند، نمودار می‌گردد. برخی از این افراد هزاران مایل را با همراهی تیم خود سفر می‌کنند تا با خانواده و دوستان خود در جاده پشت سر هم حرکت کنند. برای برخی از فارغ‌التحصیلان، فوتبال حلقه پیوند میان آنها و دانشگاه پیشین آنهاست. هیچ ورزش دیگری در ایالات متحده نمی‌تواند چنینجو، مراسم و فرآیندهای اجتماعی‌سازی عمیقی را پیش از شروع مسابقات (نظیر رانندگی‌های زنجیره‌ای) فراهم آورد. با این حال صاحب‌نظران عرصه فراغت با چندین پرسش مواجهند که نیازمند بررسی است. چرا هواداران تیم فوتبال گیتور تا این حد برای پشتیبانی از تیم خود زمان و انرژی صرف می‌کنند؟ معانی، مناسک و رویه‌های مرتبط با هواداری از تیم فوتبال فلوریدا چیست؟ آیا هوادار گیتور بودن نوعی فراغت جدی محسوب می‌شود؟

به عقیده استبینز (1982) "تماشای بازی فوتبال" یا تماشاچی بودن به معنای فراغت جدی نبوده و خصوصیتی از فراغت غیرجدی و تفریحی محسوب می‌شود. برخلاف استبینز، ما معتقدیم هواداران گیتور با سطح بالایی از تعهد و همانندسازی تیمی، به خوبی نمایانگر طبقه‌ای با فراغت جدی هستند زیرا این افراد در نسبت به فعالیت‌های خود جدی و متعهدند" (استبینز، 1982، 259). به زعم ما " هواداران صرفاً تماشاچیان منفعل نیستند، بلکه عنصری اساسی در عملکرد صحیح هر نهاد ورزشی برای جامعه و افراد محسوب می‌شوند" (ادواردز^{۳۲}، 1973، 23). بر این اساس هدف اصلی این تحقیق بررسی معانی و مناسک مرتبط با هواداری از تیم فوتبال گیتور در دانشگاه فلوریدا بود. اهداف ثانویه پژوهش حاضر نیز شامل بررسی ساخت هویت و هویت جمعی در هواداران تیم فوتبال گیتور بود. در این

²⁸ Scott & Godbet

²⁹ Stebbins

³⁰ Yoder

³¹ Gator

³² Edwards

مقاله از مفهوم فراغت جدی (استبینز، 1970، 1982، 1992، 2001) برای در تحلیل داده‌ها استفاده شد. همچنین این پرسش مطرح شد که آیا هواداری ورزشی می‌تواند سازنده نوعی فراغت جدی با مسیر شغلی، خصلتی منحصر به فرد و نظایر این برای هواداران تیم مذکور باشد یا خیر. تیم پژوهش مشتمل بر اساتید و دانشجویان دانشگاه بود که در سطوح مختلف در انجمن‌های اجتماعی دانشگاه فلوریدا با محوریت فوتبال عضویت داشتند. برخی از این اعضا دانشجویان مقطع کارشناسی در دانشگاه بوده و هواداران دو پرو پا قرص گیتور محسوب می‌شدند در حالی که برخی دیگر به تازگی به این گروه پیوسته و جایی در میانه طیف، با تردید نظاره‌گر وقایع بودند.

پیشینه تحقیق

مفهوم فراغت جدی برآمده از آثار رابرت استبینز (1979؛ 1982؛ 1992؛ 2001) است. وی با تحقیقات گسترده قوم‌شناسی در میان موسیقی‌دانان، ستاره‌شناسان، جادوگران، بازیگران طنز، بازیکنان بیس‌بال و بسیاری قشرهای دیگر به نظریه‌ای در این خصوص دست یافت. از دید او فراغت جدی شامل تعقیب نظام‌یافته فعالیت‌های مهم و جالب توسط فردی غیرحرفه‌ای یا داوطلب به منظور مشارکت در یافتن نوعی حرفه است که در آن بتوان به حد کفایت دانش و مهارت‌های مشخصی را کسب و ابراز کرد (استبینز، 1992، 3). وی در تحقیق خود چنین تصور کرد که سه نوع مشارکت در فراغت جدی وجود دارد، غیرحرفه‌ای‌ها، صاحبان سرگرمی و داوطلبان شغلی. استبینز (1992) عنوان می‌کند در بهترین حالت، فراغت جدی را می‌توان به عنوان کیفیتی دوسویه مشتمل بر فراغت تفریحی یا غیرجدی و نقطه مقابل آن در نظر گرفت. وی فراغت تفریحی را چنین تعریف می‌کند " فعالیت لذت‌بخشی آنی، دارای پاداش درونی با عمری نسبتاً کوتاه که به هیچ آموزش خاصی برای بهره‌مندی از آن نیاز ندارد" (استبینز، 1997، 18) یا " انجام طبیعی امور " (استبینز، 2001، 58). وی فعالیت‌هایی نظیر سوار شدن بر چرخ و فلک، تماشای تلویزیون یا تماشای مسابقه فوتبال (استبینز، 1982؛ 1992) را نمونه‌هایی از فراغت تفریحی می‌داند. انجام چنین گونه‌هایی منفعلی از تفریحات به حداقل میزان تحلیل یا به تمرکز بر محتوا نیاز دارد و " از فعالیت مذکور صرفاً به خاطر خود فعالیت و نه میل باطنی یا اجبار به کاوش در آن به هر شکل لذت برده می‌شود". (استبینز،

2001، 60). هنگامی که چنین تفریحی از حالت منفعل به فعال تغییر یافته و به بیان دیگر مشارکت در آن نیازمند سطح مشخصی از مهارت، دانش یا تجربه است، می‌توان مفهوم آن را در قالب سرگرمی یا فعالیتی غیرحرفه‌ای تبیین کرد (استبینز، 1997؛ 20-19).

به همین ترتیب، فراغت جدی برای غیرحرفه‌ای‌ها، صاحبان سرگرمی و داوطلبان شغلی با شش ویژگی منحصر به فرد از فراغت غیرجدی یا تفریحی متمایز می‌شود. نخست آنکه شرکت‌کنندگان در فراغت جدی گاهی باید دوران سختی را پشت سر گذارند. گرچه مشارکت در این فعالیت‌ها ممکن است نیازمند غلبه بر دشواری‌هایی باشد، کماکان خود فعالیت حس مطلوبی از سلامت را به افراد می‌بخشد. همچنین شرکت‌کنندگان موظف به بسط مشاغل در حوزه فراغت موردنظر خود هستند که مشتمل بر مراحل مختلف پیشرفت، تغییر و دستاوردهاست. دیگر آنکه در چنین مشاغلی، تلاش مضاعف فردی در جهت کسب مهارت، آموزش و دانش ضروری است و مبین تجربه طولانی در نقش موردنظر می‌باشد" (استبینز، 1982، 256). به علاوه شامل هشت مزیت ماندگار برای شرکت‌کنندگان است که شامل خودشکوفایی، غنای شخصی، خودابرازی، تجدید خویش، حس موفقیت، بهبود تصور از خود، احساس تعلق و تعامل اجتماعی، محصولات ماندگار فیزیکی به عنوان ماحصل شرکت در این فعالیت‌ها و لذت محض است (استبینز، 1992). پنجم آنکه شرکت‌کنندگان به نوعی منش منحصر به فرد دست می‌یابند که در بطن آن جهان اجتماعی متمایزی وجود دارد (اونروه، 1980). چنین جهانی هنجارها، ارزش‌ها و باورها خرده فرهنگی خود را داراست (استبینز، 1992). در نهایت مشارکت‌کنندگان در فراغت جدی معمولاً با این فعالیت‌ها هم‌ذات‌پنداری بالایی داشته و "با افتخار، هیجان و به دفعات در خصوص آنها صحبت می‌کنند" (استبینز، 1992، 7).

در حوزه صاحبان سرگرمی، استبینز (1992) عقیده دارد "سرگرمی به معنای تعقیب تخصصی موضوعی فراتر از شغل فرد است که به دلیل مزایای ماندگار، برای او جالب و لذتبخش می‌نماید" (ص 10). وی در آغاز چهار طبقه را در این حوزه شناسایی کرد: صاحبان کلکسیون، سازندگان و تعمیرکنندگان، مشارکت‌کنندگان در فعالیت‌های غیررقابتی و قانون‌مند و بازیکنان ورزشی (بدون وجود رقبای حرفه‌ای) و سایر فعالیت‌های تفریحی. بعدها او موفق به شناسایی گروه پنجمی نیز شد که مشتمل بر طرفداران هنر لیبرال بودند (استبینز، 2001). استبینز (1992) معتقد است

برای درک بهتر مشارکت این افراد به پژوهش‌های بیشتری نیاز داریم و یافته‌های جدید ممکن است طبقه‌بندی فوق را دستخوش تغییر سازد. بر اساس یافته‌های تجربی ما در مورد هواداران تیم فوتبال دانشگاه، معتقدیم باید طبقه دیگری به این مجموعه موسوم به مشتاقان ورزشی^{۳۳} اضافه شود.

تفاوت اصلی بین صاحبان سرگرمی و افراد غیرحرفه‌ای آن است که گروه اول رقبای حرفه‌ای نداشته و به همین دلیل عضو هیچ سیستم متشکل از حرفه‌ای‌ها- غیرحرفه‌ای‌ها- عموم^{۳۴} نیستند. منظور از عموم، مجموعه‌ای از افراد با علایق مشترک است که از سوی افراد حرفه‌ای یا غیرحرفه‌ای یا هر دو گروه به آنها خدمتی ارائه نمی‌شود بلکه تنها به اطلاع‌رسانی، روشنگری یا سرگرم ساختن آنها اکتفا گشته و از آنها انتظارات بسیاری وجود دارد (استبینز، 1992، 59). استبینز اظهار می‌کند ممکن است در تحقیقات آتی به وجود چنین گروهی در میان صاحبان سرگرمی نیز پی برده شود. به هر حال این افراد نیز همانند غیرحرفه‌ای‌ها دارای خانواده و دوستانی هستند که می‌توانند مشارکت در سرگرمی‌ها را تسهیل نموده یا دشوار سازند. ضمن اینکه دنیای این افراد میکروکروموزم‌هایی از سیستم‌های اجتماعی بزرگ‌تر محسوب می‌شود. وی همچنین می‌گوید شاید در تحقیقات بعدی شباهت‌های موجود میان نگرش صاحبان سرگرمی، داوطلبان شغلی و غیرحرفه‌ای را دریابیم زیرا هریک از این گروه‌ها به فعالیت‌های انتخابی خود بسیار متعهدند.

استبینز (1993) معتقد است با پیشرفت تحقیقات در حوزه فعالیت‌های فراغت جدی، توجه به سطوح فراساختاری این مبحث اهمیتی دوچندان می‌یابد. صاحب‌نظران متعددی به ماهیت مبتنی بر طبقه اجتماعی این قبیل فعالیت‌ها اشاره کرده‌اند (پارکر، همیلتون اسمیت و دیویدسون^{۳۵}، 1993؛ پارکر، 1996) که خود نشان می‌دهد این پدیده عمدتاً در قشر متوسط رویت می‌شود. دیگر اندیشمندان به ماهیت مبتنی بر جنسیت فراغت جدی پرداخته و خاطر نشان می‌سازند بسیاری از این انجمن‌های اجتماعی تحت تسلط مردان است (بارترام، 2001؛ رینزبرو، 1999). به علاوه همیلتون اسمیت (1993) به لزوم توجه به موقعیت فردی و فرهنگی هویت‌سازی در فراغت جدی اشاره می‌کند. وی معتقد است هم‌ذات‌پنداری مبتنی بر مشارکت در فراغت جدی تنها مشتمل بر فرآیندهای سطح خرد

³³ Sports enthusiast

³⁴ Professional- amateur- public (PAP) system

³⁵ Parker, Hamilton- Smith & Davidson

نیست بلکه محیط اجتماعی فرهنگی بزرگ‌تر نیز بر شکل‌گیری هویت اثر می‌گذارد. در حقیقت هویت‌ها که منتج از بافت فرهنگی بزرگ‌ترند، به شکل‌گیری مفهومی موسوم به استمرار فرهنگی جامعه کمک می‌کنند که به نوبه خود انسجام اجتماعی یا به گفته دانینگ (1999) حس "ما بودن"^{۳۶} را تقویت می‌نماید. استبینز (1999) و همچنین آرای و پدلار^{۳۷} (1997) دریافتند مشارکت در فراغت جدی نه تنها به مشارکت‌کنندگان حس تعلق می‌بخشد بلکه کل جامعه نیز از آن سود می‌برد. بی شک در جوامع میزبان رویدادهای ورزشی که افراد محلی و خارجی در آن مشارکت می‌جویند، ساکنان بیش از دیگر مناطق دارای حس غرور یا به گفته برگان و مولز^{۳۸} (1992) درآمد روانی هستند. این مساله در تعطیلات آخر هفته در مورد شهر گینس ویل واقع در فلوریدا نیز صادق است.

یافته ها

در تحلیل داده‌ها، الگویی‌هایی از فرآیند کدگذاری مشخص شد که نشان می‌داد تیم فوتبال گیتور برای این هواداران نوعی فراغت جدی است. بنابراین نتایج بر اساس شش ویژگی فراغت جدی بیان می‌شود که استبینز (1979؛ 1982؛ 1992؛ 2001) به آن اشاره کرده بود. این ویژگی‌ها عبارتند از: 1) سخت‌کوشی^{۳۹}؛ 2) مشاغل بلندمدت^{۴۰}؛ 3) تلاش‌های قابل توجه شخصی^{۴۱}؛ 4) مزایای بلندمدت فردی^{۴۲}؛ 5) منش منحصر به فرد^{۴۳} و 6) همانندسازی

سختکوشی

استبینز (1982؛ 1992) بیان می‌کند سخت‌کوشی یکی از ویژگی‌های بارز فراغت جدی است. او دریافت گاهی مشارکت‌کنندگان در انجام فعالیت‌ها با مشکلات یا دشواری‌هایی مواجه می‌شوند از جمله آسیب‌های ورزشی یا عدم اطمینان از نقش خود در مورد بازیگران تازه‌کار تئاتر. همچنین او متوجه شد افرادی که فعالیت‌های خود را با جدیت

³⁶ We feeling

³⁷ Arai & Pedlar

³⁸ Burgan & Mules

³⁹ Perseverance

⁴⁰ Long-term career

⁴¹ Significant personal effort

⁴² Durable –self benefits

⁴³ Unique ethos

ادامه می‌دهند، این مشکلات را با سخت‌کوشی از سر می‌گذرانند. در مورد هواداران ورزشی باید گفت بخش عمده‌ای از سخت‌کوشی به حمایت آنها از تیم خود در زمان‌های پیروزی و شکست و انطباق منفی برمی‌گردد. منظور از انطباق منفی، راهبردی است که هواداران عموماً در هنگام شکست تیم خود به کار می‌گیرند (چپالدینی و دیگران، 1976؛ هیرت زیلمن، اریکسن و کندی، 1992). در حقیقت برخی از هواداران تیم گیتور، طرفداران فاقد چنین سطحی از سخت‌کوشی را با عنوان رفیق نیمه‌راه خطاب می‌کردند. یکی از قدیمی‌ترین هواداران زن این تیم در این خصوص اظهار داشت:

گیتور بودن صرف نظر از پیروزی یا شکست، فوق‌العاده است. مهم نیست چه نتیجه‌ای کسب شود، من به هر حال از آنها حمایت می‌کنم و رفیق نیمه‌راه نیستم. حتی زمانی که تیم شکستی سنگین داشت (1-10-0)، من به هواداری ادامه داده‌ام. ما هرگز تیم را ترک نکردیم زیرا این جوانان به حمایت ما نیاز دارند، چه ببرند یا ببازند. بنابراین... ما در کنار آنها ماندیم و تیم را ترک نکردیم به امید اینکه معجزه‌ای اتفاق بیفتد. (زن، 65، #18)

عبارت گیتور بودن فوق‌العاده است، نقلی رایج میان هواداران تیم فوتبال گیتور محسوب می‌شود و در مثال فوق، برای تأکید بر این واقعیت به کار رفته که گیتور بودن به معنای پایداری در حمایت از تیم خود در روزهای پیروزی و شکست و باقی ماندن در ورزشگاه علی‌رغم ناکامی‌هاست. عبارت شکست سنگین (1-10-0) به فصل ناموفق این تیم در سال 1979 اشاره دارد که در آن تیم دانشگاه فلوریدا در هیچ مسابقه‌ای برنده نشد، در 10 بازی باخت و تنها در یک مسابقه به نتیجه مساوی دست یافت. در حقیقت شماری از هواداران با یادآوری این مسئله، اصرار داشتند بگویند با وجود نتایج ضعیف تیم در دوران مذکور، دست از هواداری تیم گیتور برنداشته بودند. یکی از آنها نیز مصرانه اظهار می‌داشت هواداران وفادار گیتور کسانی بودند که در سال 1979 هوادار تیم بوده و فقط در دهه 1990 که موفقیت‌های تیم بسیار زیاد بود، به جرگه طرفداران نپیوسته بودند.

خب می‌دانید مشکل اینجاست که اکثراً به شما می‌گویند بله ما کنار تیم هستیم...بیشتر افرادی که با آنها صحبت می‌کنید حدود ده سال است که گیتور بوده‌اند اما تنها برخی از ما از فصل 1-10-0 با تیم بوده‌ایم و می‌دانیم

هر هفته طعم شکست را چشیدن به چه معناست. می‌دانید... شما یا طرفدار دانشگاه هستید یا نیستید. درک این مسئله برای ما که مدت‌های مدیدی هوادار تیم بوده‌ایم، ساده است. (مرد، 49، #67)

جدول 1 پروفایل هواداران گیتور که مورد مصاحبه قرار گرفتند

مشاهدات	دانشجوی دانشگاه فلوریدا	نوع هواداری	تعداد سال‌های هواداری	هوادار
برای تجربه خانوادگی رانندگی‌های زنجیره‌ای و هواداری گیتور ارزش قائل است	خیر	نوع 1- فوتبال	36	مرد 46، 21#
او در روز مسابقات کلاه و جوراب‌های نارنجی می‌پوشد.	خیر	نوع 1- فوتبال	38	مرد 79، #23
هواداری بسیار پرشور با تلفن همراه گیتور	خیر	نوع 1- فوتبال	30	مرد 54، #4
دانشگاه فلوریدا و فوتبال را به یک‌اندازه دوست دارد	خیر	نوع 1- فوتبال	7	مرد 60، 75#
سعی می‌کند هر فصل لباسی مشابه استیو سوپریر بپوشد	بله	نوع 1- فوتبال	46	مرد 52، 177#
دارای محدوده تعریف‌شده برای رانندگی زنجیره‌ای. کامیون وی با نشان‌های متعدد گیتور تزیین شده است	خیر	نوع 1- فوتبال	50	مرد 50، 11#
تجربه رانندگی‌های زنجیره‌ای تاثیرگذار؛ استفاده مکرر از لباس‌های گیتور؛ پخش موسیقی گیتور	بله	نوع 1- فوتبال	22	مرد 39، 169#
لباس‌های گیتور را پوشیده و به فوتبال علاقه‌مند است اما طرفدار دو آتشه نیست	بله	نوع 4- طرفدار اجتماعی	29	مرد 47، 24#
طرفدار دو آتشه نیست اما قطعا خود را گیتور و نه طرفدار تیم رقیب می‌داند.	خیر	نوع 1- فوتبال	26	مرد 65، 150#
هودار دو آتشه گیتور که سر تا پا لباس‌های این تیم را به تن دارد. در خصوص گیتورها متعصب است	خیر	نوع 1- فوتبال	51	زن 73، 16#

زن 30، 163#	30	نوع 1- فوتبال	بله	هوادار مشتاق. برای رسیدن به هر بازی، پنج ساعت رانندگی می‌کند
مرد 47، 181#	47	نوع 1- فوتبال	خیر	دارای کامیون نارنجی و آب- طرفدار رانندگی زنجیره‌ای طی چند نسل؛ هوادار دو آتسه
مرد 54، 72#	21	نوع 1- فوتبال	خیر	خودروی او - کوسن‌ها و کولر - با رنگ‌های گیتور تزیین شده
مرد 55، 91#	31	نوع 1- فوتبال	خیر	دارای شخصیتی آرام ؛ با افرادی که لباس گیتور به تن دارند ، رانندگی زنجیره ای کرده و شعرهای گیتور را می‌خواند
مرد 74، 120#	51	نوع 1- فوتبال	خیر	هنگام صحبت از گیتور و مفهوم هواداری برای خود هیجانزده می‌شود
مرد 73 ، 14#	46	نوع 1- فوتبال	خیر	خودروی او و تمامی همراهانش در رانندگی زنجیره‌ای نماد گیتور است
زن 48، 98#	11	نوع 1- فوتبال	خیر	حتی در محل کار نیز لباس گیتور را می‌پوشد
مرد 38، 87#	30	نوع 2- همه تیم های گیتور	بله	در هر مسابقه کلاه و لباس گیتور را به تن دارد
زن 65، 18#	51	نوع 2- همه تیم های گیتور	بله	سر تا پا ملبس به لباس گیتور است. به گیتور و دانشگاه فلوریدا وفادار است
مرد 49، 67#	32	نوع 2- همه تیم های گیتور	بله	کلاه و لباس گیتور به تن داشته و از تلفن همراه گیتور استفاده می‌کند. هوادار مشتاق

احساسات ابراز شده توسط این هوادار قدیمی تیم فوتبال گیتور بازتابی از احساس مشترک میان سایر هواداران قدیمی است مبنی بر اینکه طی سالیان اخیر و آغاز دوران استیو اسپریر به عنوان سرمربی فوتبال دانشگاه فلوریدا، وفاداری هواداران به تلاش چندانی نیاز ندارد. طی این دوران (2002-1990)، دانشگاه فلوریدا در بسیاری از فصل‌ها پیروز مسابقات بوده و این موفقیت‌ها با قهرمانی در مسابقات ملی در سال 1996 به اوج خود رسید. در حقیقت این هواداران حس می‌کنند تا حدود بسیاری تخریب شده‌اند. همان‌طور که یکی از آنها می‌گوید: من در گذشته احساس بهتری نسبت به پیروزی‌های تیم داشتم چون ارزش بیشتری داشت. این روزها آنقدر برنده می‌شویم که معمولاً به

چشم نمی‌آید. برادرم به بهترین شکل ممکن این قضیه را توضیح می‌دهد. به گفته او آنقدر که باختن حس بدی است، بردن حس خوبی نیست. (مرد 39، #169) هوادار 47 ساله‌ای نیز با تایید این حس و مروری بر تجربه 29 ساله‌اش در هواداری از گیتور می‌گوید: در گذشته ما در سطح ملی تیم مطرحی نبود بنابراین پیروزی به نوعی دشوار بود. درست در چنین شرایطی است که می‌توانید وفاداری خود را بسنجید (مرد 47، #24). جالب آنکه در ژانویه 2002، استیو سوپریر در کمال ناباوری جهان فوتبال، از سمت سرمربیگری استعفا داد. اینک با شروع دوران پسا اسپریر، انتظارات در مورد آنچه میان هواداران گیتور اتفاق می‌افتد، رو به افزایش است. در چنین شرایطی مربی جدیدی به هدایت تم منصوب شده و هواداران نامه‌های مبنی بر حمایت خود از او را به روزنامه انجمن طرفداران این تیم به نام گینزویل سان⁴⁴ ارسال می‌کنند. با این حال جامعه گیتور در نوعی برزخ دست و پا می‌زند و دقیقاً مشخص نیست فصل آینده چه رخ داده و چه آزمونی برای سنجش تعهد هواداران رقم خواهد خورد.

داده‌های ما نشان می‌دهد شدت تعهد گیتورها را می‌توان یک هفته پس از باخت تیم، به ویژه در میان بسیاری از همکاران، سنجید. هواداران از کلماتی نظیر "افسرده" یا "غمگین" برای توصیف احساسات خود از باخت تیم استفاده می‌کردند. با این حال از مواجهه با واقعیت یا مورد تمسخر واقع شدن به خاطر آن ابایی ندارند (مرد، 52، #177). یکی از هواداران در این خصوص اظهار داشت حتی اگر طی هفته‌های شکست گیتور در بیمارستان بستری شوم، حاضرم به هر مشقتی از بیمارستان خارج شده و خود را سینه‌خیز به محل کار برسانم تا به همه نشان دهم من کسی نیستم که در هنگام شکست تیم، استراحت می‌کند. من می‌خواهم حتی در روزهای شکست نیز به عنوان یک هوادار و حامی گیتور شناخته شوم (مرد 54، #4). چنانچه باخت در برابر رقیب ایالتی گیتور یا همان دانشگاه ایالتی فلوریدا باشد، شدت این تمسخرها افزایش می‌یابد. یکی از هواداران گیتور که دندانپزشک است، در این خصوص خاطره‌ای تعریف می‌کند: من هوادار گیتورم بنابراین هنگامی که در برابر دانشگاه دولتی فلوریدا می‌بازیم، تا یک هفته هر کس به مطب وارد می‌شود، جز طرفداران تیم دانشگاه دولتی فلوریدا است که می‌خواهد با صحبت درباره بازی، شما را بیازارد (مرد، 55، #91). تمامی هواداران گیتور در این تحقیق احساس می‌کردند شکست گیتور تجربه‌ای

⁴⁴ Gainesville Sun

غم‌انگیز است، اما حمایت از تیم در چنین شرایطی حائز اهمیتی دوچندان می‌باشد. یکی از هواداران با ابراز همدردی با ورزشکاران می‌گوید: دلتان به حال ورزشکاران بازنده می‌سوزد زیرا به هر حال آنها بسیار کم سن و سالند (مرد 50، #11). هوادار دیگری در این باره اظهار می‌کند: شما کماکان روابط دوستانه خوبی دارید که نشانگر نوعی همدلی است (مرد 60، #75). برخی از هواداران معتقدند حق ندارند از تصمیمات مربی یا برخی اشتباهات منجر به شکست بازیکنان ناراحت شوند و این موارد آنها را از تماشای مسابقات بعدی باز نمی‌دارد. مردی 49 ساله در این باره می‌گوید:

: تنها تعداد اندکی از هواداران تیم را رها کرده و هفته بعد به تماشای مسابقه نمی‌روند.

مشاغل بلند مدت

دومین ویژگی فراغت جدی آن است که شرکت‌کنندگان آنقدر در فعالیت مربوطه درگیر بوده‌اند که بتوانند شاهد نقاط عطف و مراحل مختلف موفقیت باشند (استبینز، 1982). برخی از هواداران در پاسخ به این پرسش که چه مدت هوادار گیتور بوده‌اند، اظهار می‌داشتند من از بدو تولد، گیتور بوده‌ام (مرد 50، #11). برخی دیگر به رویدادهایی خاص نظیر نقل مکان به اطراف دانشگاه یا ثبت نام در دانشگاه فلوریدا به عنوان دانشجو اشاره می‌کردند. برای مثال یکی از این افراد می‌گوید من از سال اول دانشگاه یعنی سال 1971 یک گیتور بوده‌ام که چیزی حدود سی سال از آن می‌گذرد (مرد 47، #24). پنج تن از هواداران اظهار داشتند دست کم پنجاه سال هوادار گیتور بوده‌اند در حالی که بقیه دهه‌های شصت و هفتادی میلادی را به عنوان نقطه آغاز وفاداری خود به تیم می‌دانستند. تنها دو نفر از مصاحبه‌شوندگان کمتر از بیست سال هوادار گیتور بودند. یکی از آنها مردی 60 ساله بود که هشت سال پیش به ایالت فلوریدا نقل مکان کرده بود و دیگری زنی 48 ساله که در اواسط دهه 80 میلادی فلوریدا را برای سکونت برگزیده بود. برخی از هواداران اشاره داشتند که با دیدن مسابقه‌های فوتبال گیتور بزرگ شده‌اند، چه با حضور شخصی در مسابقات و چه با شنیدن آنها در رادیو. برخی دیگر از استیو اسپریر به عنوان بازیکن فوتبال دانشگاه فلوریدا یاد می‌کردند که (در سال 1966) موفق به پیروزی در مسابقات هیس‌من ترافی⁴⁵ شد و معتقد

⁴⁵ Heisman Trophy

بودند وفاداری و تحسین خود نسبت به وی در دوران جوانی آنها ریشه دارد. سایر هواداران نیز هواداری گیتور را نوعی پیوند خانوادگی و کاتالیزوری در مشاغل خود می‌دانستند. همان‌طور که یکی از آنها بیان کرد: " من و همسر، فرزندان... برادرانم، و برادران همسر... همگی به مسابقات می‌رفتیم. گیتور یک خانواده است " (مرد 49، #67).
هواداری دیگر نیز با تاکید بسیار بر ارتباطات خانوادگی در گیتور اظهار داشت: "به عقیده من، گیتور بودن، سنتی مشتمل بر آموزش و ورزش اخلاقی است " (مرد، 38، #87). وی در ادامه توضیح داد که خانواده‌ای ده نفری داشته و شش تن از خواهران و برادرانش از دانشگاه فلوریدا فارغ‌التحصیل شده‌اند.

گرچه مدت زمان هواداری افراد نسبت به گیتور را می‌توان یکی از شاخص‌های مشاغل فراغت جدی دانست، باید گفت برشمردن تغییراتی که در نحوه حمایت آنها از گیتور رخ داده نیز شاخص دیگری در این زمینه محسوب می‌شود. در حقیقت تمامی هواداران به تغییرات تدریجی اشاره داشتند که در برخی رفتارهای هواداری آنها رخ داده بود. نمونه‌ای از تغییرات مذکور، شدت حمایت از گیتور بود. در این خصوص یکی از هواداران ابراز کرد " نمی‌دانم که آیا میزان حمایت من تغییر کرده یا نه. اما اگر بخواهم درست بگویم، فکر می‌کنم این مسئله شدت یافته است " (مرد 54، #4). در برخی از هواداران نشانه‌هایی مبنی بر ارتباط میان فصل‌های پیروز در دوران استیو سوپریر و تغییر در شدت حمایت آنها مشاهده شد. همان‌طور که یکی از هواداران بیان کرد " بله فکر می‌کنم باید بگویم علاقه من اینک بیشتر شده چون تیم موفق‌تر است. در حقیقت این امر نوعی واکنش طبیعی به شمار می‌آید " (مرد 47، #24). البته وی بلافاصله اشاره کرد که طی سالیان شکست نیز هواداری وفادار بوده است. یکی دیگر از هواداران با خنده خود را " متعصب‌تر! " توصیف نموده و اظهار داشت: "هرچه تعداد بردهای اسپریر بیشتر می‌شد، تعصب من هم شدت می‌یافت! " (مرد 79، #23) چنین ارتباطی را شاید بتوان با حضور در مسابقات بیشتر نیز همراه دانست. در همین خصوص یکی از هواداران با تأمل بر شغل خود در مقام هوادار گیتور خاطرنشان کرد:

من بسیار متعصبم و می‌توانم بگویم تقریباً تمامی اوقات این تعصب در خون من جریان دارد. نمی‌دانم آیا این حس چندان تغییر کرده است یا خیر. شاید طی ده سال گذشته... به خاطر سفرهای بیشتر برای تماشای مسابقات دور از خانه که تا پیش از دهه 90، آنها را از دست می‌دادم، در این زمینه موثر بوده است (مرد 52، #177).

برخی از هواداران تغییر در میزان حمایت خود را از تیم گیتور به این واقعیت نسبت می‌دادند که اینک پوشش رسانه‌ای بیشتری دریافت می‌کنند و دنبال کردن آنها سهولت بیشتری یافته است (مرد، 74، #120). گرچه این مسئله نیز از آنجا نشأت می‌گیرد که تیم‌های پیروز معمولاً در رسانه‌ها پررنگ‌ترند (ترنر^{۴۶}، 1999). یکی دیگر از هواداران تغییر در میزان وفاداری خود را به این دلیل می‌دانست که پسرش اینک در دانشگاه فلوریدا مشغول به تحصیل بوده و شور و هیجان خود را با وی تقسیم می‌کند.

از دیگر شاخص‌های قابل توجه در این تغییرات در میان بیشتر هواداران گیتور، تاثیر چرخه عمر خانواده^{۴۷} بود. بسیاری از هواداران در صحبت‌های خود به تغییرات متناسب به چرخه عمر خانواده اشاره داشتند که طی آن افراد از دوران مجرد به دوران والدینی و حتی بزرگ‌والدینی وارد شده و به همین دلیل رفتارهای هواداری آنها تغییر می‌یافت. برای مثال یکی از هواداران گیتور با اشاره به زمان مجرد خود اظهار داشت: سفرهای ما در حمایت از تیم در آن دوران بیشتر مردانه بود (مرد 54، #4). هوادار دیگری در خصوص افرادی که سال‌ها با او در رانندگی‌های زنجیره‌ای شرکت کرده‌اند، عنوان کرد "ما سال‌هاست یکدیگر را می‌شناسیم و جویای احوال یکدیگریم" (زن، 65، #18). وی در ادامه خاطرنشان ساخت: ما شاهد بزرگ شدن فرزندان هم بوده ایم و سپس افزود فرزندان خردسال وی اینک در سنین جوانی به سر می‌برند. " هنگامی که با ما به تماشای مسابقات می‌رفتند، کودک بودند." در توضیحات بیشتر هواداران در مورد تحولات صورت گرفته در شغل گیتوری، رد تغییرات چرخه عمر خانواده محرز بود. همچنین بخش عمده تغییرات به بزرگ شدن کودکان ارتباط داشت و همان‌طور که یکی از هواداران مطرح ساخت " طی این سال‌ها ما توانسته‌ایم خانواده خود را در کنار گیتور بزرگ کنیم" (مرد، 65، #67). برخی بیان می‌کردند با بزرگ شدن بچه‌ها، آنها توانسته‌اند در مسابقات دور از منزل بیشتری شرکت کرده و فرزندان خود را همراه بیاورند. برخی دیگر بیان می‌نمودند که چطور همراهان رانندگی‌های زنجیره‌ای آنها در طول زمان افزایش یافته زیرا فرزندان هریک ازدواج کرده و همسران و سپس خود را وارد گروه می‌ساختند. به همین ترتیب، سایر هواداران به تاثیرات افزایش سن بر این

⁴⁶ Turner

⁴⁷ Family life cycle

مساله و تغییرات متعاقب آن در رفتارهای هواداری خود اشاره داشتند. یکی از زنان هوادار گیتور در این باره چنین گفت:

ما بیست سال است مثل خانواده ای بزرگ گرد هم می‌آییم... تعداد افراد طی این مدت نسبتاً ثابت بوده به جز... فکر می‌کنم طی سالیان گذشته برخی از آنها به دلیل کهولت سن دچار بیماری شده و نمی‌توانند آن‌چنان در مراسم حضور یابند و خب البته برخی از آنها هم در گذشته‌اند. (زن 65، #18)

از دیگر نکات مربوط به سن آن بود که برخی هواداران اظهار می‌کردند به دلیل بالا رفتن سن، قادر به رانندگی و حضور در مسابقات دور از منزل نیستند. برخی دیگر می‌گفتند دیگر پیاده به استادیوم نمی‌روند بلکه از خودروهای موجود در مسیر کمک می‌گیرند. یکی از هواداران به یادبودی اشاره داشت که برای دوست متوفی خود در رانندگی‌های زنجیره‌ای ترتیب داده بودند:

ما همگی غصه‌های خود را داشته‌ایم و رد آن را می‌توان طی این سال‌ها در چهره هریک از اعضا دید. با این حال برخی از ما دیگر اینجا حضور ندارند و ... ما برای یکی از دوستانمان مراسم یادبودی برگزار کردیم. مزار او اینجا پای یک درخت است. (مرد 39، #169)

سبک رانندگی زنجیره‌ای نیز با گذر زمان دستخوش تغییراتی شده است. برخی رانندگی‌های کنونی را با دوران دانشجویی مقایسه می‌کردند: " ما در حقیقت رانندگی زنجیره‌ای نمی‌کردیم. فقط اطراف خوابگاه‌ها پرسه می‌زدیم" (مرد 47، #24) و " من قبلاً در این موقعیت‌ها الکل زیادی مصرف می‌کردم ولی اینک کاملاً هوشیارم!" (مرد 47،

#181). به همین ترتیب یکی از زنان هوادار گیتور در خصوص تجربه رانندگی زنجیره‌ای خود گفت:

" پرستیژ ما بالا رفته است... حالا ما چادری نارنجی و آبی داریم. یکی از همراهان ما دارای دستگاه ماهواره است... در فضای باز امکان استفاده از برق وجود دارد و وقتی هوا بسیار گرم است، می‌توانیم از طریق تلویزیون به دیگر هواداران بپیوندیم... (مصاحبه‌گر: تلویزیون ماهواره ای! (می‌خندد)) ما دیگر تیم‌ها و آنچه روی می‌دهد را می‌بینیم. (زن

#18، 65)

پرسه‌ای کوتاه در میان رانندگان زنجیره‌ای پیش از شروع بازی‌ها در پاییز سال 2001 حاکی از آن بود که گیرنده‌های ماهواره‌ای به ابزاری رایج در میان این افراد تبدیل گشته و جایگزین رادیو و تلویزیون‌های آنتن‌دار شده است که پیش از این مورد استفاده قرار می‌گرفت.

یکی دیگر از نمونه‌های تغییرات مرتبط با تداوم شغل گیتوری، شامل ارتقا از هواداری بدون بلیط‌های فصلی به برخورداری از این بلیط‌هاست. همزمان با بهبود وضعیت مالی برخی هواداران و همچنین کسب ارشدیت در این زمینه، این افراد قادر به اختیار جایگاه‌های بهتر در ورزشگاه بودند. یکی از هواداران در این خصوص اظهار داشت: "من در ردیف سوم هستم." با اینحال وی به گفته خود وی درصدد بهبود این جایگاه بود "صندلی‌های ردیف‌های جلوتر جایگاهی است که دلم می‌خواهد روزی به آن برسم و فکر می‌کنم دوستانم در ردیف‌های پشت سر باشند" (مرد 47، 24#). منظور او از این حرف آن بود که مایل است در جایگاه‌های دارای صندلی‌های راحت‌تر و نه چیدمان مرسوم ورزشگاه‌ها بنشیند. برخی دیگر از هواداران اشاره داشتند این مساله در خصوص آنها مصداق نمی‌یابد زیرا دارندگان بلیط‌های فصل جدید برای حفظ صندلی‌های خود، ملزم به کمک به دپارتمان ورزشی هستند. بعضی از هواداران نیز از انتقال بلیط‌های مسابقه به صورت نسل به نسل صحبت می‌کردند. مردی 39 ساله از بین هواداران در این خصوص توضیح داد که چگونه جایگاه او در ورزشگاه از زمان کودکی ارتقا پیدا کرده و اینک در خط چهل یاردی است. درحالی که برخی از هواداران توانسته‌اند به جایگاه‌های بهتر در ورزشگاه دست یابند، گروهی دیگر اظهار می‌دارند: "ما بیست یا بیست و پنجاه سال که با زوج‌های دیگر در مکانی مشخص در استادیوم همنشین هستیم." (زن 65، 18#). در حقیقت به گفته بسیاری از هواداران، میان کسانی که در نزدیکی یکدیگر جای داشتند رابطه دوستانه‌ای برقرار شده و شاهد بزرگ شدن کودکان همدیگر یا گاهی اشغال صندلی‌ها توسط نسل‌های بعد بوده‌اند. تغییر دیگر در این حوزه، مربوط به جای پارک خودروست. امتیازات مربوط به پارکینگ با افزایش ارشدیت هواداران افزایش می‌یابد گرچه برخی از این تغییرات در نتیجه تغییر در ساختمان‌های موجود در دانشگاه فلوریدا است. هواداران گیتور معمولاً محل پارک خودروهای خود را تغییر نمی‌دهند و همان‌طور که یکی از آنها بیان می‌کند "ما 27 سال است که خودروی خود را در این مکان پارک می‌کنیم" (مرد 47، 181#). زن دیگری نیز در خصوص تغییر جای

پارکینگ چنین اظهار داشت: " اینک ما جای خود را عوض کرده‌ایم، اما از سال 1976 در مکان قبلی بودیم " (زن 65، #18).

تلاش‌های قابل توجه شخصی

استینز (1982) بیان می‌کند تجربه بلندمدت در نقش به همراه تلاش‌های شخصی و کسب دانش و مهارت‌ها در حوزه‌ای مشخص وجه تمایز فراغت جدی از فراغت غیرجدی است. تمامی هواداران گیتور دارای تجربه‌ای طولانی در نقش خود بوده و به منظور هواداری از این تیم فوتبال، تلاش بسیاری می‌کنند. در عین حال باید خاطرنشان کرد هواداری شاید نیازمند بهبود مهارت‌های عملکردی نظیر بازیگران تازه‌کار (استینز، 1979) یا شرکت‌کنندگان در رقابت‌های ماهیگیری (یودر، 1997) نباشد اما قطعاً تلاش‌های آنها نیز مرهون کسب مهارت است. گرچه هواداران گیتور مهارت‌هایی نظیر سازماندهی مناسب در رانندگی‌های زنجیره‌ای و برخورداری از اطلاعات مناسب درباره تیم را از خود نشان می‌دادند، مهم‌ترین عامل در این تحقیق میزان تلاش شده توسط هواداران در تعقیب فعالیت‌های تیم بود. بیشتر هواداران "در تمامی مسابقات حضور داشتند" (مرد 74، #120) و برخی حتی در مسابقات بسکتبال، بیسبال و تعدادی دیگر از تیم‌های ورزشی دانشگاه فلوریدا نیز شرکت می‌کردند. این هواداران مسافتی بین 70 تا 700 مایل را به‌طور منظم رانندگی می‌کنند تا در مسابقات خانگی تیم حضور یابند و جای شگفتی نیست که " وقت زیادی از ما در این مسیر گرفته می‌شود..." (مرد 55، #91)؛ که در برخی موارد شامل استفاده از مرخصی‌هاست. در حقیقت همان‌طور که یکی از هواداران در این‌باره توضیح داد:

ما در تمامی مسابقات خانگی حضور داریم ، مگر اینکه واقعا اتفاق مهمی بیفتد و مسابقه را از دست بدهیم. در سال 1991 یک مسابقه را از دست دادیم که همان مسابقه با دانشگاه دولتی فلوریدا بود زیرا یکی از اقوام درجه یک ما درگذشت و نتوانستیم به مسابقه برسیم اما به جز این یک مورد، ما از سال 1982 همیشه بلیط‌های فصلی را تهیه کرده‌ایم و فقط در همین یک بازی خانگی غایب بوده‌ایم. (مرد 46، #21)

هوادار دیگر با افتخار چنین بیان می کرد: " فکر می کنم می توانم بگویم طی بیست سال تنها در 5 مسابقه حضور نیافته ام " (مرد 49، 67#) همچنین بیشتر هواداران اظهار داشتند هر بهار برای شرکت در مراسم سالیانه موسوم به مسابقه نارنجی ها و آبی ها (تمرین درون تیمی پیش از شروع فصل مسابقات) به گینس ویل آمده اند. همان گونه که یکی از زنان هوادار تیم عنوان ساخت: " من همیشه برای تماشای مسابقه نارنجی ها و آبی ها می آیم و منتظرم ببینم چه پیش می آید " (زن 65، 18#). مسابقه نارنجی ها و آبی ها در حقیقت نوعی مراسم سنتی در فلوریداست که بسیاری از هواداران آن را نوشدارویی برای گذر از آخرین فصل ناکامی های تیم می دانند. این مسابقه معمولا در نیمروز بین تیم فصل قبل و تیم فصل آینده اتفاق می افتد و تا حدودی نتیجه آن ، عملکرد آتی تیم در فصل جدید را نشان می دهد.

برخی دیگر از هواداران در روزهای مخصوص به خود و برای شرکت در مراسم بازگشت تیم به خانه حضور می یافتند که با مسابقه فوتبالی خانگی همزمان است. یکی از زنان هوادار تیم ، حضور منظم در این رویدادها را رفتار مورد انتظار از هواداران وفادار خواند و حتی اظهار کرد از بیرون شهر، برای تماشای مسابقات شنا و دو به محل برگزاری مسابقات می آید. وی گفت: " آنها می دانند که ما تحت هر شرایطی اینجا هستیم، در هوای بارانی یا ... (مکث)... " (زن 73، 16#). این طرفداران که تنها در صورت اجبار در مسابقات حضور نمی یابند، همچنین به میزان زمان تخصیص داده شده برای تعقیب فعالیت های تیم خود اشاره کردند. یکی از هواداران مرد از فروش قایق خود سخن گفت زیرا هواداری گیتور از او فرصت استفاده از قایق را سلب می کرد. دیگری اظهار داشت: " تعطیلات آخر هفته دیگر بی معناست. ما در تعطیلات کاری به جز فوتبال نمی کنیم. و اگر مسابقه خانگی وجود نداشته باشد، یکی از اعضای گروه مهمانی را ترتیب داده و همه برای تماشای مسابقه به منزل او می روند " (مرد 60، 75#).

رویه های همیشگی هواداران در روز مسابقه نمونه دیگری از تلاش های آنهاست. از آنجا که این هواداران در بیرون از شهر زندگی می کنند، بسیاری از آنها برای رسیدن به دانشگاه فلوریدا در ساعات اولیه صبح و پیش از طلوع آفتاب سفر خود را آغاز می کردند. یکی از هواداران مذکور برنامه روزانه خود را در چنین موقعیت هایی بدین شکل توصیف کرد: " ساعت چهار صبح از خواب بیدار می شوم، به منزل خواهر همسر خود رفته و موتور را تحویل گرفته و آماده

رفتن می‌شوم. حدود ساعت 8:15، 8:30 به استادیوم فلاوت^{۴۸} می‌رسم... " (مرد، 60، #75). به همین ترتیب بسیاری از هواداران تشریفات دشواری را برای رانندگی‌های زنجیره‌ای به جا آورده و معمولاً هفته قبل از مسابقه را به هماهنگی با دوستان و اقوام و تهیه مایحتاج سفر می‌گذرانند. یکی از آنها در این باره می‌گوید:

من روز جمعه شروع به آماده کردن وسایل می‌کنم، می‌دانید، مواردی مثل اطمینان از اینکه همه موارد ضروری را به همراه داشته و آماده‌ام. مطمئن می‌شوم که بارانی، صندلی‌های تاشو، بادبزن، همه چیز حتی کلاه و دیگر وسایل مورد نیاز در ماشینم وجود دارد. و باز اطمینان حاصل می‌کنم که بلیطها را به همراه آورده‌ام. (مرد 5، #150)

او براساس تجربه بلندمدت خود به عنوان هوادار تیم، دقیقاً یاد گرفته چه اقلامی را با خود به مسابقه ببرد تا برای هر رویداد احتمالی آماده باشد. هوادار دیگری از مزه‌دار کردن تکه‌های گوشت بره از روز سه‌شنبه پیش از مسابقات برای طبخ آن در طول مسیر رانندگی سخن می‌گفت. در بین این هواداران گیتور نمونه‌های بسیاری از تلاش‌های قابل توجه را می‌توان یافت که از حیث زمانی، مالی، قربانی کردن سایر فعالیت‌ها و تجارب خانوادگی به منظور هواداری از تیم انجام شده است. همچنین مشخص شد این هواداران طی سالیان به دانش و مهارت‌هایی نظیر زود رسیدن به مسابقه برای به‌دست آوردن پارکینگ دلخواه یا شناخت دقیق تجهیزات مورد نیاز برای رانندگی‌های زنجیره‌ای یا حفظ آرامش خود در حین تماشای مسابقه تحت شرایط مطلوب یا نامطلوب برای تیم دست یافته‌اند. در عین حال همگی بر این باور بودند که مزیت‌های گیتور بودن به زحمات صرف شده در این مسیر غلبه دارد.

مزایای بلندمدت فردی

استبینز (1979) موفق به شناسایی هشت مزیت فردی ناشی از فراغت جدی شد که عبارتند از تعامل اجتماعی، حس تعلق، غنای فردی و بازآفرینی. در این تحقیق تمامی هواداران از "خاص بودن" اوقات خانوادگی و دوستی‌هایی صحبت می‌کردند که طی این سال‌ها شکل گرفته بود و آن را مزیتی ناشی از هواداری می‌دانستند. برخی اظهار

⁴⁸ Flavet

می‌داشتند تنها زمانی که کنار هم می‌نشینیم ، در هنگام تماشای مسابقات فصلی است " (مرد 47، 181#). سایر هواداران در خصوص زمانی که در دانشگاه فلوریدا برای حمایت از تیم صرف کردند، چنین می‌گفتند:

فکر می‌کنم ... دیدار دوستان و اعضای خانواده و آشنایان آنها زمان دلچسبی است... صحبت با آنها شیرین است و ... ما درباره بازی و مسائل فلوریدا صحبت می‌کنیم اما بیشتر صحبت‌ها بدین شکل است که ... خوب اوضاع زندگی چطور است؟ چه خبر؟ بچه‌ها در چه حالند؟ می‌دانید... نظرت درباره بازنشستگی چیست؟ مفاهیم پرمعنایی که می‌خواهی با دوستانت در مورد آن صحبت کنی . (مرد 47، 24#)

بسیاری از هواداران احساساتی مشابه این هوادار داشتند. یکی از آنها گفت " مساله فقط فوتبال نیست بلکه درباره همه چیز و همه کسانی است که در اینجا ملاقات کرده‌ام" (مرد 39، 168#). در حقیقت همان‌طور که یکی از هواداران مطرح کرد " من فکر می‌کنم گاهی رانندگی‌های زنجیره‌ای از مسابقه مهم‌تر است، نه اینکه مسابقه بی‌اهمیت باشد بلکه مساله دیدار با دوستان...در طول فصل مسابقات به جای مکاتبه یا مکالمه تلفنی با آنهاست. به همین دلیل به نوعی چشم انتظار فرارسیدن مسابقات هستی تا بتوانید دوباره آنها را ببینید. بنابراین مساله اصلی دوستی‌هاست (مرد 65، 150#). برای بسیاری از این هواداران، تجربه‌های اجتماعی همراه با فوتبال معنای گسترده‌تری به زندگی بخشیده است. یکی از هواداران مرد درباره فعالیت‌های مرتبط با فوتبال از اصطلاح "خاطره آفرینی" استفاده می‌کند (مرد 74، 120#). طرفدار زنی هم می‌گوید هوادار گیتور بودن " ما را به مسافرت وامی‌دارد.در غیر این صورت همسرم علاقه‌ای به تعطیلات ندارد" (زن 73، 16#). در حقیقت این زن هنگام صحبت از گیتور بودن احساساتی شد " گیتور بودن (هق هق)... بی شک بزرگ‌ترین لذت من تماشای گیتورهاست (همراه با ردی از اشک) ". البته مزیت‌های روانشناختی ناشی از گیتور بودن به ویژه در هنگام پیروزی تیم دوچندان می‌شود. هواداران در توصیف احساسات خود به هنگام برد تیم از کلماتی نظیر " وجدآور " ، " شادی‌بخش " استفاده می‌کردند و حتی یکی از آنها اظهار داشت " اوه اگر می‌توانستم از خوشحالی پشتک می‌زدم (خنده) ، من حقیقتاً خوشحالم. هنگامی که آنها می‌برند ، واقعا حس خوبی دارم و از دیدن پیروزی آنها خوشحالم" (مرد 60، 75#).

منش منحصر به فرد

استبینز (1992) معتقد است شرکت‌کنندگان در فراغت جدی بخشی از جهانی اجتماعی هستند که دارای خرده فرهنگ و منش منحصر به فرد خود متشکل از مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نگرش‌ها و هنجارهاست. بر اساس نوشته‌های کرسی⁴⁹ (1932)، شیبوتانی⁵⁰ (1955) و ایروین⁵¹ (1977) و بسیاری نویسندگان دیگر، اونروه⁵² (1980) بیان می‌کند که جهان‌های اجتماعی، سازمان‌هایی اجتماعی هستند که حول فعالیتی مشترک تنظیم شده و با سطوح مختلف مشارکت، معانی و تعامل از یکدیگر متمایز می‌شوند. به لحاظ جغرافیایی، جهان‌های اجتماعی می‌توانند محلی بوده یا در سطح کشور پراکنده باشند و یا حتی با وجود جهانی سازی روزافزون و ارتباطات بهتر در تمام دیا پخش شوند. استبینز (1993) خاطرنشان می‌سازد عنصر گم‌شده در نظریه اونروه وجود خرده‌فرهنگی قدرتمند در چنین جهان‌های اجتماعی است. بنابراین به زعم او منش‌های مرتبط با تعقیب فراغت جدی ترکیبی از خرده‌فرهنگ و ساختار اجتماعی است. او همچنین بیان می‌دارد چنین سطح ساختاری کلانی از فراغت جدی دارای ویژگی‌های متعددی می‌باشد: جهان اجتماعی مجزا، شبکه‌های اجتماعی، سبک‌های زندگی خاص، تعدادی گروه‌های کوچک و به ویژه در حوزه ورزش، فعالیت جمعی مرکزی.

خصائص مرتبط با هواداری از تیم فوتبال گیتور بسیار گسترده است. هواداران متعدد در کلوب‌های منطقه‌ای گیتور عضویت دارند. همچنین هنگامی که در گینس ویل نیستند، از رسانه‌ها و به طور فزاینده اینترنت استفاده می‌کنند تا اخبار فوتبال گیتور را دنبال کنند. یکی از طرفداران زن در این خصوص می‌گوید:

خب در اینترنت به سایر Gatorozone.com مراجعه می‌یند و سپس صبح یکشنبه پس از مسابقه، لحظه‌های حساس مسابقه با اسپریر را دیده و بعد شب‌های پنجشنبه در رادیو... می‌دانید، برنامه شب‌های پنجشنبه با استیو اسپریر است. (زن 48، #98)

⁴⁹ Cressey

⁵⁰ Shibutani

⁵¹ Irwin

⁵² Unruh

همچنین شواهد بسیاری در خصوص وجود سبک‌های زندگی متمایز میان هواداران تیم فوتبال گیتور در دست است. این افراد نه تنها وقت خود را صرف جستجو در اینترنت و مطالعه گزارش‌های ورزشی بسیار می‌کنند، بلکه زندگی آنها حول محور فوتبال می‌چرخد. بسیاری از هواداران در صحبت‌های خود به تنظیم رویدادهای خانوادگی بر اساس مسابقات فوتبال اشاره داشتند. یک مرد هوادار و همسر وی در این باره ابراز می‌دارند:

(زن) ما به زودی سی‌امین سالگرد ازدواج یکی از دوستانمان را جشن می‌گیریم و ما ... (هوادار گیتور) باید مطمئن می‌شدیم که آخر هفته تعطیل است (خنده). در واقع برادر همسر من در حال ازدواج مجدد است و باید مطمئن می‌شدیم این مراسم با مسابقه تداخل ندارد (خنده) (مرد 49، #67)

نقش محوری هواداری از تیم فوتبال گیتور در زندگی این افراد بیش از پیش زمانی مشخص شد که از آنها خواستیم زندگی خود را بدون تیم فوتبال گیتور تصور کنند. بیشتر آنها ساکت شده و نمی‌توانستند باور کنند چنین سوالی از آنها مطرح شده است. یکی از هواداران گفت " شوخی می‌کنید! ... چطور چنین چیزی ممکن است؟ ... نمی‌دانم چه می‌کردم. امکان ندارد. چنین روزی هرگز فرا نمی‌رسد. شبیه کابوس است. باید تلاش کرد و امیدوار ماند... این مساله مرا افسرده می‌کند " (مرد 54، #72)

دیگری در پاسخ گفت: " حتماً با من شوخی شان گرفته (خنده)... شما دارید قضیه را خیلی سخت می‌کنید، اینطور نیست؟ خب... (مکث طولانی)... بله، آه... بیایید صادق باشیم. من نمی‌توانم چنین چیزی را تصور کنم. می‌دانید من از مدت‌ها پیش با آنها بوده‌ام " (مرد 54، #4). تنظیم زندگی خود بر اساس فوتبال چندان در میان هواداران محرز نیست اما اتفاقات دانشگاه و جمع هواداران تحت تاثیر بود یا نبود تیم فوتبال به‌ویژه تعطیلات آخر هفته در پاییز قرار دارد. برای مثال فستیوال پاییزه هنر هرگز در هفته‌هایی برگزار نمی‌شود که مسابقات خانگی برقرار است زیرا با استقبال اندکی مواجه می‌شود، به خصوص اگر این زمان مقارن با مسابقه‌های روز شنبه باشد.

دیگر آنکه در میان هواداران، مجموعه‌ای از ارزش‌ها وجود دارد که مهم‌ترین آن به مساله وفاداری مربوط می‌شود. یکی از هواداران در این‌باره بیان می‌کند " فکر می‌کنم مساله فقط وفاداری است. هنگامی که به جرگه هواداران گیتور ملحق می‌شوید، به مسائل نگاه متفاوتی پیدا می‌کنید. " (مرد 55، #91). سایر هواداران وفاداری خود را ناشی

از غرور خود نسبت به دانشگاه می‌دانستند " بخش عمده کار، وفاداری است. به عنوان یک دانشجو، وفاداری به دانشگاه و برنامه‌های آن یا به تعبیری حس افتخار نسبت به دستاوردهای تیم یا تیم‌ها" (مرد 47، #24). اونروه (1980) اظهار می‌کند تمامی جهان‌های اجتماعی دارای مراکز جغرافیایی مرتبط هستند. در خصوص هواداران تیم فوتبال گیتور، این مرکز گینس ویل و به طور خاص سوآمپ (ورزش بن هیل گریفین)^{۵۳} است. یکی از هواداران پرشور در خصوص برگزاری مراسم خوشامد گویی توسط او و دوستانش به هواداران جدیدی که می‌خواهند خودروری خود را در نزدیکی آنها پارک کنند، چنین گفت:

ما اینجا رسمی داریم. اگر تازه وارد باشید و بخواهید ماشین خود را اینجا پارک کنید، باید این شعر را بخوانید " ما فرزندان فلوریدای پیریم " و سپس بر روی ماشین من و چهار ماشین دیگر راه بروید . چه مست باشید و چه هشیار، فرقی ندارد ، اگر بیفتید دوباره به جای اول بازمی‌گردید! (مرد 47، #181)

شعری که وی به آن اشاره دارد، در هر مسابقه خانگی بین راندهای سوم و چهارم خوانده شده و هواداران بازو به بازوی هم آن را می‌خوانند. این شعر میراثی از روزهای آغازین دانشگاه فلوریدا و هنگامی است که این مرکز، موسسه ای کوچک بوده و دانشگاه دولتی فلوریدا ، دانشکده‌ای مخصوص زنان بود. درحالی که دانشگاه فلوریدا بیش از نیم قرن است که از سیستم آموزشی مختلط بهره می‌گیرد، خصلت‌های مردانه برگرفته از فوتبال در آن چنان قوی است که تلاش برای تغییر کلمات با مخالفت‌های بسیار مواجه شده است. بنابراین یک گیتور واقعی باید کلمات را به خوبی دانسته و با غرور آنها را بر زبان آورد. این مساله فقط مجوز ورود به جهان اجتماعی گیتورها نیست بلکه به هواداران امکان مشارکت کامل در فعالیت‌های جمعی مسابقه را می‌دهد که بخش مهمی از جهان مذکور قلمداد می‌شود. به علاوه حس تعلق خاطر بر اساس عضویت در جهان اجتماعی را قوت بخشیده و با همانندسازی مرتبط است که ششمین ویژگی فراغت جدی می‌باشد.

⁵³ The Swamp (Ben Hill Griffin Stadium)

هماندسازی

ششمین ویژگی فراغت جدی از دید استبینز (1972؛ 1982؛ 1992) آن است که شرکت‌کنندگان به شدت با فعالیت انتخابی خود هم‌ذات‌پنداری می‌کنند. تمامی هواداران مصاحبه شده در این تحقیق بخش عمده‌ای از هویت خود را بر مبنای هواداری تیم فوتبال گیتور بنا نهاده‌اند. بخشی از این همانندسازی از نوع پوشش، تزیینات خودرو به رنگ نارنجی و آبی (رنگ‌های دانشگاه فلوریدا) مشخص بود. برخی حتی خودروهای مسافرتی داشتند که با این رنگ‌ها آراسته شده و دارای تلفن‌هایی به شکل تمساح و صندلی‌های نارنجی و آبی بود. هنگامی که از یک هوادار مرد در خصوص پوشش او در روز مسابقه پرسیدیم، وی پاسخ داد:

همان لباس همیشگی... بلوز و شلوار با علامت گیتور بر روی آن. من با لباس گیتور به مسابقه می‌روم؛ با لباس گیتور به منزل بازمی‌گردم... من لباس‌های گیتور با آستین بلند و آستین کوتاه دارم... روی تمامی آنها نشان گیتور مشخص است... بله... این لباس‌ها برای من آماده شده است... همان‌طور که ماشینم به طور اختصاصی برای من آماده شده. تمام ماشین من نارنجی و آبی است و در داخل آن دستگاه خنک‌کننده هم‌رنگی وجود دارد. (مرد، 54، #72)

گوشواره‌ها، کفش‌ها، بلوزها، کلاه‌ها و شلوارک‌های نارنجی و آبی از جمله پوشاک رایجی بودند که افراد در روز مسابقه استفاده می‌کردند. در حقیقت این پوشاک گاهی در طول هفته توسط برخی هواداران پوشیده می‌شد. " خب این دختر من است که به تازگی فارغ‌التحصیل شده و به شما خواهد گفت که بر روی بیشتر لباس‌هایی که من دارم، نشان گیتور دیده می‌شود، از جمله کت و شلوار... کت و شلوار که نه، اما بلوزهایم. من هر روز لباس‌های گیتور را می‌پوشم " (مرد 49، #67) هوادار دیگری توضیح داد " مردم می‌گویند من دچار عقده روحی هستم (خنده). کامیون من آبی است، آبی و نارنجی. اسم سگ من گیتور است " (مرد 47، #181). با این حال، پوشاک و متعلقات تنها شاخصی سطحی از میزان همانندسازی افراد مذکور با تیم گیتور است.

از بین هفت هواداری که از دانشگاه فلوریدا فارغ‌التحصیل شدند، غرور بیشتری به دلیل ویژگی‌های خود دانشگاه و تیم فوتبال گیتور وجود داشت. یکی از زنان هوادار تیم در این خصوص می‌گوید " فکر می‌کنم من به دانشگاه رفتم چون اهل گینس ویل هستم و بنابراین هواداری از گیتور، افتخار بزرگی است. من از دانشگاه و تیم‌های ورزشی آن

حمایت می‌کنم " (زن 30 ، #63) هوادار دیگری در این باره چنین اظهار داشت: "هر چیزی که به هرنحو با دانشگاه فلوریدا مرتبط باشد، برای من جالب است... زیرا از تحصیل در این دانشگاه... و افتخارات دانشگاه فلوریدا... نه فقط در فوتبال بلکه در تمامی زمینه‌ها... به خود می‌بالم..." (مرد 52 ، #177). یکی دیگر از هواداران مرد ابراز کرد زمانی که ماشینی نارنجی و آبی یا خانه‌ای متحرک برای سفرهای گیتوری ندارد " از تحصیل در این دانشگاه احساس غرور می‌کند" (مرد 47 ، #24). یکی از هواداران در توضیح این مساله می‌گوید:

من همیشه خودم را نه هوادار گیتور بلکه گیتور می‌دانم. من هر شخصی را که از این دانشگاه فارغ‌التحصیل شده یا در آن به تحصیل مشغول است گیتور می‌دانم که نقطه مقابل آن ، گیتور نبودن است (می‌خندد). می‌دانید دودسته هوادار وجود دارند، هواداران گیتور و کسانی آرزو می‌کنند ای کاش هوادار گیتور بودند... بنابراین... وقتی کسی از من می‌پرسد که آیا طرفدار گیتور هستم یا خیر، سعی می‌کنم با تصحیح آنها بگویم که من هوادار گیتور نیستم بلکه گیتورم (مرد 52 ، #177)

شدت همانندسازی این هواداران با گیتورها را می‌توان در هنگام صحبت کردن آنها از تیم خود در مقایسه با سایر تیم‌ها در کنفرانس جنوب شرق امریکا به ویژه تیم رقیب ایالتی یعنی دانشگاه دولتی فلوریدا (سمنولز⁵⁴) مشاهده کرد. این رقابت میان اعضای خانواده‌ها نیز به خوبی مشهود است. یکی از هواداران در این خصوص اظهار داشت " من همیشه برای شوخی با همسرم می‌گویم اگر می‌دانستم هرگز با طرفدار بولداگ‌ها(دانشگاه جورجیا⁵⁵) ازدواج نمی‌کردم" (مرد 46 ، #21). برخی هواداران عنوان کردند که فرزندان آنها در انتخاب دانشگاهی به جز دانشگاه فلوریدا برای ادامه تحصیل اشتباه کرده‌اند. یکی از هواداران که دخترش دانشگاه دولتی فلوریدا را برگزیده بود، گفت دوستانش به شوخی به وی می‌گویند که " پدران به دخترانشان اجازه تحصیل در دانشگاه دولتی فلوریدا را نمی‌دهند" (مرد 55 ، #91) هوادار دیگری دختر خود را به علت انتخاب دانشگاه دولتی فلوریدا، زنی جوان و سرکش توصیف کرد. وی در ادامه گفت تصمیم دخترش تنها به دلیل نیاز به متفاوت بودن از پدر و مادرش بود و چون در

⁵⁴ The Seminoles

⁵⁵ Georgia

اینجا بزرگ شده بود، احساس می‌کرد باید از این محیط فاصله بگیرد... او شش هفته در دانشگاه دولتی فلوریدا ماند و کاملاً افسرده بود (بنابراین به دانشگاه فلوریدا بازگشت) ".

به طور کلی این هواداران رقبا را تنها مایه سرگرمی می‌دانستند. یکی از زنان هوادار تیم در این مورد اظهار داشت " ما رقبایی داریم. می‌دانید ما ایمیل و نامه‌های همدردی آنها را به شکل مضحکی دریافت می‌کنیم. خواهرزاده همسرم هفته گذشته از من می‌پرسید چه بر سر تیم شما آمده است؟" (زن 65، #18). با این حال برخی از هواداران در احساسات خود نسبت به طرفداران سایر تیم‌ها دچار تغییر شده بودند. یکی از این افراد توضیح داد " در فلوریدا تنها سه گروه وجود دارند. گیتورها، کسانی که می‌خواهند گیتور شوند و طعمه‌های گیتورها" (مرد 54، #72) وی در ادامه افزود که هرگز طرفداران سمینول را استخدام نمی‌کند زیرا این افراد به لحاظ ذهنی دچار مشکل بوده و به همین دلیل هیچکس آنها را به استخدام خود در نخواهد آورد. تنها دلیلی که این افراد به دانشگاه دولتی فلوریدا پیوستند آن بود که نتوانستند به دانشگاه فلوریدا راه یابند. واقعیت همین است! " (مرد 54، #72). جریان هنگامی مضحک‌تر شد که چند سال پیش یکی از بازیکنان فوتبال دانشگاه دولتی فلوریدا به دلیل دزدی از فروشگاهی دستگیر شد و از آن زمان به سمینول‌ها با عنوان مجرم‌ها یاد می‌شود. هوادار دیگری در این مورد گفت " ترجیح می‌دهم پسر همجنس‌گرا باشد تا طرفدار سمینول ! " (مرد 47، #181). این هواداران تا حد غایی همانندسازی کرده و نماینده تمام هواداران مصاحبه شده در این تحقیق نیستند. برخی دیگر به شیوه‌های معتدل‌تر به مقایسه‌های اجتماعی دست می‌زدند. یکی از این افراد اظهار داشت دانشگاه فلوریدا در مقایسه با دیگر دانشگاه‌ها منحصر به فرد است به جز دانشگاه نوتردام که دارای سنتی چندین ساله می‌باشد... اما این دانشگاه بسیار خاص قلمداد می‌شود و از همان ابتدا مسائل را به شما تلقین می‌کنند و تا در چنین موقعیتی قرار نگیرید، نمی‌توانید در مورد آن اظهار نظر کنید. امسال پانزده هزار بلیط دانشجویی در کمتر از چهار روز به فروش رفت " (مرد 49، #67).

علاوه بر گروه‌های اجتماعی درجه یک، این هواداران خود را با جامعه بزرگتر هواداران گیتور نزدیک می‌دانند و به گفته یکی از آنها، با دیگر هواداران " رابطه عاطفی مشترک " دارند (مرد 55، 91). هوادار دیگری می‌گوید گیتور بودن به معنای وجود هویت و موضوع گفتگوی مشترک با دیگر گیتورهاست:

گیتور بودن زمینه‌ساز ارتباطات بسیار خوبی می‌شود. آنها درمی‌یابند که شما هوادار گیتور هستید... پزشک خانوادگی من، کل اعضای کلاس من - چون من معلم هستم- طرفدار گیتورند... دانش آموزان همیشه به من هدیه‌هایی از گیتور می‌دهند. آنا در حیات مدرسه ابتدایی مرا خانم گیتور صدا می‌کنند و روابط دوستانه‌ای از این طریق ایجاد شده است. می‌دانید... این مسئله نشانگر درک و همراهی افرادی است که ملاقات می‌کنید، آنها در فرودگاه‌ها یا دیگر مکان‌ها به سمت شما آمده و با شما صحبت می‌کنند (زن 65، #18)

شاید همانطور که دانینگ (1990) بیان می‌کند، هویت‌ها و احساسات مشترک در مورد ورزش یکی از منابع اصلی حس ما بودن در جامعه پست مدرن باشد. بی شک برای هواداران قدیمی در این تحقیق بخش عمده‌ای از هویت بر اساس هواداری از تیم فوتبال گیتور و عضویت در جهان اجتماعی گیتورها شکل گرفته است.

بحث

استبیز (1992) در نتیجه‌گیری اثر خود با نام تازه‌کارها، حرفه‌ای‌ها و فراغت جدی چنین می‌نویسد: " اینک مبارزه به پایان رسیده است. پس باید اطمینان یابیم فراغت جدی در دستورالعمل پژوهشی قرن آینده جایگاه مهمی یافته است" (ص 135). شواهد مطمئنی مبنی بر پذیرش این مدعا توسط صاحب‌نظران متعدد در حوزه فراغت وجود دارد. از آن زمان تا کنون، دو ویژه‌نامه از نشریه فراغت جهانی⁵⁶ به موضوع فراغت جدی اختصاص یافته (جلد 35 (1)، 1993؛ و جلد 43 (2)، 2001). همچنین یک شماره نیز به فعالیت‌های داوطلبانه در این زمینه می‌پردازد (جلد 38 (3)، 1997). محققان مختلف به بررسی انواع فراغت جدی نظیر عضویت در کلوپ امریکایی کتل (بالدوین و نوریس، 1999) و شرکت در مسابقات ماهیگیری (یودر، 1997) پرداخته‌اند. با این حال، تا چندی پیش، هواداری ورزشی مورد توجه صاحب‌نظران قرار نگرفته بود (جونز، 2000). ما معتقدیم داده‌های ما نشان می‌دهد هواداران ورزشی در این تحقیق کاملاً ویژگی‌های فراغت جدی را دارا هستند (استبیز، 1979؛ 1982؛ 1992؛ 2001). به علاوه استبیز بیان می‌کند بررسی عمیق‌تر در انواع فراغت جدی می‌تواند مفروضات وی را تغییر دهد. بر همین

⁵⁶ World Leisure

اساس ما براساس یافته‌های خود، نکاتی را مطرح می‌سازیم که می‌توان در تحقیقات بعدی در حوزه فراغت جدی به کار گرفت.

یکی از یافته‌های جالب در تحقیق ما تعامل بین چرخه عمر خانواده و پیشرفت در مسیر هواداری از تیم فوتبال گیتور بود. کلی و فری سینگر^{۵۷} (2000) فراغت را به عنوان بعدی در هم تنیده از زندگی در نظر می‌گیرند که لزوماً از دیگر ابعاد زندگی مجزا نیست. سایر اندیشمندان دریافته‌اند جایگاه و معنای پویایی داشته و بر حسب مراحل مختلف عمر (کلیر و کل^{۵۸}، 1980) یا چرخه عمر خانواده (راپوپورت و راپوپورت^{۵۹}، 1975)، می‌تواند دستخوش تغییر شود. به نظر می‌رسد هواداری حرفه‌ای در بین طرفداران تیم فوتبال گیتور نیز به صورت کاملاً یکپارچه با سفر آنها در مسیر زندگی مرتبط است. خاطرات آنها به عنوان هوادار نه فقط به پیروزی‌ها و شکست‌های تیم، بلکه به افرادی مربوط می‌شود که با آنها در این تجربیات سهیم بوده‌اند. بزرگ شدن فرزندان، اضافه شدن اعضای جدید به خانواده از طریق ازدواج، بالا رفتن سن اعضای گروه و حتی از دست دادن آنها به سبب مرگ همگی با تغییراتی مرتبط است که طی سالیان هواداری آنها از تیم گیتور رخ داده. بی‌شک گاهی در مقطع خاصی از عمر، اعمال برخی تغییرات در سبک رانندگی زنجیره‌ای برای حضور افراد بیشتر یا کمتر ضرورت یافته است. گاهی بالا رفتن سن موجب کوتاهی مسافت‌هایی شده که افراد برای همراهی با تیم رانندگی کرده‌اند. با این حال گیتور بودن عنصری همیشگی در زندگی این افراد محسوب می‌شود. استبینز (1992) بیان می‌کند پیشرفت در این مسیر ما را به درک بهتر این مقوله رهنمون می‌سازد که چطور می‌توان فراغت جدی حرفه‌ای را در مسیر زندگی افراد تجسم بخشید. استبینز (1992) بیان می‌کند که پیشرفت در هواداری حرفه‌ای به واسطه تداوم اجتماعی و روانشناختی مشخص می‌گردد. به عقیده ما گزینش رویکردی مادام‌العمر نیز می‌تواند ما را در درک شکل‌گیری فراغت جدی حرفه‌ای در مسیر زندگی افراد یاری بخشد. بی‌شک برای این هواداران زمان‌های صرف شده با خانواده و دوستان یکی از مهم‌ترین مزایای هواداری بوده؛ همان‌گونه که ماهیت بین نسلی این گروه‌ها و حس تعلق خاطر ناشی از هواداری از تیم گیتور چنین جایگاهی را

⁵⁷ Kelly & Freysinger

⁵⁸ Kleiber & Kelly

⁵⁹ Rapoport & Rapoport

داراست. تمامی این مضامین طی سالیان اخیر در تحقیقات فراغت جدی ظهور یافته و عضویت در جهانی اجتماعی گیتورها نیز نویدبخش امکان بررسی برخی از این موضوعات است.

یکی دیگر از یافته‌های تحقیق به مشارکت هواداران گیتور در فعالیت‌های تفریحی خانوادگی در روز مسابقه مربوط است. برای بسیاری از این افراد، رانندگی های زنجیره‌ای بخشی از زمان‌های خانوادگی آنها محسوب می‌شد. برخی از این هواداران زنجیره‌هایی مشتمل بر بیست نفر یا بیشتر تشکیل می‌دادند. در جامعه‌ای که به زعم برخی صاحب‌نظران، زمان فشرده است (شور^{۶۰}، 1991)، زمان برای فعالیت‌های اجتماعی در کنار خانواده بسیار نایاب شده کمالینکه حتی اعضای خانواده‌های هسته‌ای نیز حتی برای صرف غذا با یکدیگر فرصت کافی ندارند. بسیاری از هواداران رانندگی زنجیره‌ای را اوقاتی خوش به همراه خانواده مشتمل بر نسل‌های مختلف از کودک و جوان تا پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها می‌دانستند. برخی از هواداران اظهار می‌کردند فصل فوتبال تنها فرصت ممکن در تمام سال برای دیدار با اعضای خانواده و دوستان است. تعامل اجتماعی عنصری از زندگی است که با سطوح بالاتر رضایت از زندگی ارتباط دارد (گلاس، مندز دو لئون، ماروتولی و برکمن^{۶۱}، 1999) و اجتماعی‌سازی بر محور فوتبال و هواداران گیتور در این تحقیق، مزیت مهمی است که از مشارکت افراد در فعالیت‌های فراغت جدی حاصل می‌گردد. با این حال، داده‌های ما همچنین نشانگر مفهومی بود که استبیز از آن با عنوان خودخواهی^{۶۲} یا کنترل‌ناپذیری^{۶۳} در فراغت جدی یاد می‌کند و ممکن است روابط خانوادگی را برهم زند.

تمامی هواداران زمان، هزینه و انرژی زیادی را به حضور در مسابقات فوتبال اختصاص می‌دادند. برخی حتی به نوعی کنترل‌ناپذیر بودند. این حالت زمانی رخ می‌دهد که مشارکت در فعالیت‌های فراغت جدی زمان و هزینه زیادی را موجب شده و بر دیگر فعالیت‌ها ارجحیت یابد (استبیز، 1979). برای مثال یکی از هواداران تیم قایق خود را فروخت تا بتواند زمان بیشتری را برای همراهی با گیتورها صرف کند درحالی‌که سایر هواداران رویدادهای خانوادگی خود را براساس بازی‌ها تنظیم می‌کردند. برخی زمان قابل توجهی را برای مطالعه و گوش سپردن به گزارشات

⁶⁰ Schor

⁶¹ Glass, Mendes de Leon, Marottoli & Berkman

⁶² Selfishness

⁶³ Uncntrollability

رسانه‌ای درباره تیم صرف کرده و برخی به طور فزاینده از ارتباطات الکترونیک نظیر پست الکترونیک و خدمات الکترونیک باشگاه گیتور برای بحث درباره تیم خود با دیگر هواداران استفاده می‌نمودند. وسایل ارتباطی رایانه‌ای و رسانه‌ای قطعاً این هواداران و بسیاری دیگر از افراد را در سراسر دنیا به ارتباط با جهان گیتورها قادر ساخته است. اما آنچه در یافته‌های این تحقیق مشخص نشد، میزان تاثیر مشارکت در جهان اجتماعی گیتورها بر روابط هواداران با اعضای خانواده و دوستان بود. یکی از هواداران در این خصوص به شوخی گفت: "گیتورها مقدم‌ترند" حتی از همسران. دیگران اظهار می‌داشتند همسرانشان گاهی آنها را در مسابقات همراهی نمی‌کنند. در عین حال شواهد مستحکمی از مصاحبه با هواداران به دست آمد که نشان می‌داد مسابقات فوتبال گیتور برای آنها رویدادی خانوادگی و مشتمل بر نسل‌های مختلف است. از سوی دیگر ما با دیگر اعضای خانواده یا همکاران این هواداران صحبت نکردیم درحالی‌که ممکن است این افراد مجبور به تحمل خلق و خوی متغیر هواداران پس از پیروزی یا شکست تیم باشند. در این خصوص، دیدگاه استینز (1992) مبنی بر لزوم ایجاد مکان‌های عمومی برای صاحبان سرگرمی⁶⁴ ممکن است قابل تایید باشد گرچه در این زمینه باید تحقیقات بیشتری صورت گیرد تا نوع رابطه میان این مقوله و صاحبان سرگرمی - در این حالت خاص هواداران فوتبال گیتور- مشخص شود.

همچنین برای تجزیه و تحلیل روابط میان از تحلیل جنسیت استفاده کرد (بارترام، 2001؛ رینزبورو، 1999). هواداران مرد اظهار می‌داشتند به صورت فعالانه در برنامه‌ریزی و آماده‌سازی مقدمات سفرهای زنجیره‌ای برای مسابقات خانگی مشارکت داشتند. با این همه، در تحقیقات آتی می‌توان با همسر و دیگر اعضای خانواده این افراد نیز گفتگو کرد تا دریابیم هر یک در این زمینه چه نقشی ایفا می‌کنند به ویژه آنکه مواردی نظیر تهیه غذا و نگهداری از کودکان به طور سنتی جز نقش‌های زنان محسوب می‌شود. تحقیق دیویدسن⁶⁵ (1996) در مورد تعطیلات خانوادگی و همچنین پژوهش شاو⁶⁶ (1992) درباره تفریحات روزمره خانوادگی حاکی از آن است که تجربه مردان و زنان از رویدادهای خانوادگی متفاوت است زیرا زنان بخش عمده‌ای از فعالیت‌های تسهیل‌کننده و آماده‌گی‌های چنین

⁶⁴ Hobbyist public (HP)

⁶⁵ Davidson

⁶⁶ Shaw

رویدادهایی را بر عهده دارند. پرسشی که می‌توان در تحقیقات آتی مورد بررسی قرار داد، آن است که آیا این الگو در جهان اجتماعی هواداران ورزشی به‌ویژه در زمینه حضور در مسابقات و رانندگی‌های زنجیره‌ای هم رخ می‌دهد یا خیر. مساله دیگری که طی سالیان اخیر اهمیتی دوچندان یافته، از دست رفتن حس تعلق در زندگی مدرن است (پوتنام^{۶۷}، ۱۹۹۵). آرای و پدلار (۱۹۹۷) و استبینز (۱۹۹۹) بیان می‌کنند فراغت جدی می‌تواند حس تعلق خاطر را در میان مشارکت‌کنندگان بهبود بخشیده و یکپارچگی اجتماعی را تسهیل نماید. استبینز (۱۹۹۳) با هدف ترغیب محققان به انجام تحلیل‌های ساختاری عمیق درباره روش‌های شکل‌گیری جهان‌های اجتماعی با محوریت فراغت جدی و ارتباط آن با جامعه بزرگتر سخن می‌گوید. در این تحقیق، هواداران به ارتباطات مشترکی با دیگر گیتورها اشاره داشتند که نه فقط در شبکه‌های اجتماعی اولیه بلکه به طور فزاینده در سراسر دنیا شکل گرفته است. برای مثال طی بازی‌های المپیک ۲۰۰۱ که در سیدنی استرالیا برگزار شد، انجمن دانشجویان دانشگاه فلوریدا به همراه نمایندگان دولتی تمامی دانشجویان دانشگاه فلوریدا که در استرالیا ساکن بودند به همراه ساکنان فلوریدا را به تماشای مسابقه فوتبال گیتور دعوت کرد که از طریق ماهواره پخش می‌شد. بی‌شک در میان هوادارانی که در این تحقیق با آنها مصاحبه شد و همچنین سایر هوادارانی که با آنها برخورد کرده‌ایم، مشاهده اشخاصی با لباس گیتور خارج از فضای مسابقه، هویت جمعی آنها را تحکیم کرده و آنها را برای اجرای مراسم مخصوص گیتورها در فضای اجتماعی خود و گفتن عبارت گیتور باشید به عنوان خوشامدگویی گردهم می‌آورد (یکی از این مراسم، استفاده از هر دو دست برای شبیه‌سازی تمساحی است که دهان خود را باز و بسته می‌کند).

استبینز بیان می‌کند یکی از ویژگی‌های کلان تحلیل‌های ساختاری که شاید با ورزش بیشترین ارتباط را داشته باشد، وجود فعالیت‌های جمعی است. در این جا فعالیت جمعی نهفته در جهان اجتماعی گیتورها، به روز مسابقه به ویژه مسابقات خانگی مربوط می‌شود. همان‌طور که دانینگ (۱۹۹۹) اظهار می‌دارد، تلاش برای یافتن حس تعلق و احساس ما بودنرا شاید بتوان با ورزش به نتیجه رساند زیرا تماشای رقابت‌های ورزشی نه تنها فعالیتی مشترک است، بلکه طی آن افراد از طریق هم‌ذات‌پنداری با تیمی مشخص، به نوعی حس مشترک با دیگر هواداران دست می‌یابند.

⁶⁷ Putnam

چنین نمودی از هویت جمعی نه فقط در سطح منطقه‌ای قابل رویت است، بلکه از دیرباز ورزش به عنوان عاملی در تقویت حس میهن‌دوستی افراد تلقی می‌شده (استیونسون و نیکسون⁶⁸، 1987) به ویژه در ایالات متحده که در آن رقابت‌های ورزشی در تمام سطوح با خواندن سرود ملی این کشور آغاز می‌شود. استفاده از ورزش برای ارتقای حس میهن‌دوستی طی سال اخیر این تحقیق و همزمان با حملات تروریستی 11 سپتامبر 2001 به خوبی مشخص بود. در روز شنبه پس از حملات، قرار بود تیم دانشگاه فلوریدا در برابر دانشگاه تنسی⁶⁹ در خانه خود بازی کند. این بازی یکی از مهم‌ترین مسابقات خانگی در طول سال به شمار می‌رفت گرچه در نهایت به تعویق افتاد. یکی از مباحث صورت‌گرفته برای برگزاری مسابقه که درباره سایر رویدادهای ورزشی در ایالات متحده نیز طنین آن به همه جا رسید، آن بود که فعالیت‌های جمعی از این دست می‌تواند به تقویت اتحاد و ارتقای میهن‌دوستی افراد در زمانی که کشور آسیب‌پذیر جلوه می‌کرد، کمک شایانی کند. همان‌طور که بعدها مشخص شد، تمامی مسابقات ورزشی در آن روز به دلایل امنیتی به تعویق افتاد. با اینحال در مسابقه خانگی بعدی، ترکیبی از میهن‌دوستی و هویت گیتوری بر روی تی‌شرت‌های هواداران به چشم می‌خورد بدین صورت که روی تمامی لباس‌ها تصویری از پرچم ایالات متحده و عبارت " ما تحت هر شرایطی در کنار هم هستیم" وجود داشت که از آهنگی قدیمی به نام " ما فرزندان فلوریدای پیریم" گرفته شده بود. بنابراین در جامعه‌ای که بیش از پیش پیچیده و بخش‌بندی شده است (سیمل، 1955)، هوادار گیتور بودن نه تنها هویت فردی را شکل می‌دهد، بلکه زمینه‌ساز پیدایش نوعی هویت جمعی با فرصت‌های دوره‌ای برای بازتایید چنین حس ارتباطی در استادیومی با بیش از 85000 هوادار دیگر است.

جستجو برای یافتن بسترهای دیگری که مولد حس تعلق و هویت هستند، موضوع حائز اهمیت دیگری است به ویژه آنکه اتوماسیون ماهیت اجتماعی محیط‌های کاری را تغییر داده و پیرشدن جامعه غرب ترکیب نیروی کار را متحول می‌سازد. با این حال رید و مانل⁷⁰ (1994) بیان می‌کنند این باور که زندگی‌های کارمحور پیش‌زمینه‌ای برای فراغت معنادارند، باید تغییر کند زیرا در آینده افراد بیشتری به دلیل بازنشستگی یا عدم اشتغال از جرگه نیروی کار جدا می‌شوند. تحقیقات فعلی در این حوزه نشان می‌دهد مشارکت در آنچه کلی (1987) از آن با عنوان فعالیت‌هایی با

⁶⁸ Stevenson & Nixon

⁶⁹ Tennessee

⁷⁰ Reid & Mannell

سرمایه‌گذاری بالا یاد می‌کند، با سطوح بالاتر رضایت از زندگی برای افراد سالخورده در ارتباط است (دوپویی و اسمیل^{۷۱}، 1995؛ هاویگ هرست^{۷۲}، 1957؛ کاپلان^{۷۳}، 1979، ریدیک و دانیل^{۷۴}، 1984؛ رومسا، باندی و بلنمن^{۷۵}، 1985). در میان هوادارانی که با آنها در جریان این تحقیق مصاحبه شد، برخی افراد سالخورده‌تر با تجربه هواداری حرفه‌ای از گیتور و تیم فوتبال گیتور وجود داشتند که کماکان نقش محوری را در زندگی خود ایفا می‌نمودند. بنابراین یکی از مسیرهای پژوهشی آینده، بررسی نقش هواداری گیتور در گذر از مرحله بازنشستگی و مراحل بعدی آن است. بی شک استبینز (1992) خود به بیان مزیت‌هایی پرداخته که فراغت جدی برای سالخوردگان به همراه دارد از جمله ایجاد شبکه‌های اجتماعی، ساختار و حس هدفمندی.

با ورود به قرن 21، نوآوری‌های فناورانه، افزایش سرعت زندگی و تغییر در ترکیب جمعیت شناختی جامعه، آماده تغییر در ساختار زندگی جامعه غرب به شیوه‌های متعددی شدند. همچنین نگرانی‌هایی در خصوص سطحی‌گرایی‌های تفریحات تجاری مطرح شده (کلی، 1991؛ پارکر، 1991؛ استبینز، 1992). شاید بررسی گونه‌های مختلف از فراغت جدی ما را به این نکته رهنمون سازد که بسیاری از نیازهای اجتماعی و فردی انسان‌ها نظیر هویت، تعامل اجتماعی و ساختار را بتوان در حوزه‌هایی از زندگی تامین کرد که پیش از این برای سلامت جامعه مهم در نظر گرفته نمی‌شده است. بنابراین ما به عنوان محققان و عاملان در حوزه فراغت باید به تماشگری ورزشی و هواداری به عنوان نوعی از فراغت توجه بیشتری مبذول داریم. برای مثال درک این مساله که رانندگی‌های زنجیره‌ای روابط خانوادگی بین نسل‌ها را تسهیل می‌کند، ممکن است سازمان‌دهندگان رویدادهای ورزشی را به تخصیص زمان و فضای کافی برای چنین تعاملاتی تشویق نماید. گرین و چالیپ^{۷۶} (1998) دریافتند که بسیاری از رویدادهای ورزشی مختص جوانان نه تنها پدران و مادران بلکه پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها و دیگر اعضای خانواده را نیز به خود جلب می‌کرد. بنابراین شاید زمان‌بندی مسابقات ورزشی به نحوی که زمان کافی برای اجتماعی‌سازی در نظر گرفته شود، یکی از روش‌هایی

⁷¹ Depuis & Smale

⁷² Havighurst

⁷³ Kaplan

⁷⁴ Riddick & Daniel

⁷⁵ Romsa, Bondy & Blenman

⁷⁶ Green & Chalip

است که به افراد امکان می‌دهد زمان بیشتری را به عنوان خانواده گردهم آیند. رویدادهای ورزشی جمعی نیز می‌تواند مبین نوعی درآمد روانی برای میزبان باشد (برگان و مولز، 1992). هیجان ناشی از میزبانی از یک رویداد ورزشی می‌تواند توجه همگان را به هویت جامعه معطوف سازد به ویژه اگر از ساکنان منطقه خواسته شود به عنوان اعضای تیم یا به صورت داوطلب در رویداد مذکور شرکت جویند (گارنهام، 1996). همچنین میزبانی از میهمانان می‌تواند برای منطقه میزبان رونق اقتصادی به همراه بیاورد (والو، بول و برین⁷⁷، 1996). البته آرای و پدلار (1997) و استبینز (1999) پیشتر درباره مزیت‌های بالقوه ناشی از صورت‌های مختلف فراغت جدی برای جامعه و همچنین گینس ویل، فلوریدا، تیم فوتبال گیتور و هواداران آن به عنوان منبعی از غرور و هویت جمعی سخن گفته‌اند.

References

- Anderson, D. (1979). Sport spectatorship: Appropriation of an identity or appraisal of self. *Review of Sport and Leisure*, 4(2), 115-127.
- Anderson, D., & Stone, G. (1981). Sport: a search for community. In S. Greendorfer, & A. Yiannakis, (Eds.). *Sociology of Sport*, (pp. 164-172). Westport, NY: Leisure Press.
- Arai, S., & Pedlar, A. (1997). Building communities through leisure: Citizen participation in a healthy communities initiative. *Journal of Leisure Research*, 29, 167-182.
- Baldwin, C., & Norris, P. (1999). Exploring the dimensions of serious leisure: "Love me- love my dog." *Journal of Leisure Research*, 31, 1-17.
- Bartram, S. (2001). *The gender gap in serious leisure pursuits: Making the case for a feminist analysis of adventure sport participation*. CD Rom proceedings of the women in Leisure Conference held in conjunction Australia New Zealand Leisure Studies Association Conference, Fremantle, Western Australia: Edith Cowan University.
- Burgan, B., & Mules, T. (1992). Economic impact of sporting events. *Annals of Tourism Research*, 19, 700-710.
- Cialdini, R., Border, R., Thorne, A., Walker, M., Freeman, S., and Sloan, L. (1976). Basking in reflected glory: three football field studies. *Journal of Personality and Social Psychology*, 34, 366-375.
- Cressey, P. (1932). *The taxi-dance hall*. Chicago, IL: University of Chicago Press.
- Crouch, D. (1993). Commitment, enthusiasms and creativity in the world of allotment holding. *World Leisure and Recreation*, 35 (1), 19-22.
- Davidson, P. (1996). The holiday and work experiences of women with young children. *Leisure Studies*, 15, 89-103.
- Dupuis, S., & Smale, B. (1995). An examination of relationship between psychological well-being and depression and leisure activity participation among older adults. *Society and Leisure*, 18, 67-92.
- Dunning, E. (1999). *Sport matters: Sociological studies of sport, violence and civilization*. London, UK: Routledge.
- Edwards, H. (1973). *Sociology of Sport*. Homewood, IL: Dorsey Press.
- Garnham, B. (1996). Ranfurly Shield Rugby: An investigation into the impacts of a sporting event on a provincial city, the case of New Plymouth. *Festival Management and Event Tourism*, 4, 145-249.
- Gibson, H., Willming, C., & Holdnak, A. *Traveling Gators: A preliminary investigation of fans who travel to follow the University of Florida football team*. Paper presented at the North American Society for Sport Management Conference, Colorado Springs, CO, May 31st-June 3rd, 2000.

⁷⁷ Walo, Bull & Breen

- Glaser, B., & Strauss, A. (1967). *The discovery of grounded theory: Strategies for qualitative research*. Chicago, IL: Aldine Publishing, Co.
- Glass, T., Mendes de Leon, C., Marottoli, R. & Berkman, L. (1999). Population based study of social and productive activities as predictors of survival among elderly Americans. *British Medical Journal*, 319, 478-483.
- Green, B., & Chalip, L. (1998). Sport tourism as the celebration of subculture. *Annals of Tourism Research*, 25, 275-292.
- Hamilton-Smith, E. (1993). In the Australian Bush: Some reflections on serious leisure. *World Leisure and Recreation*, 35(1), 10-13.
- Havighurst, R. (1957). The leisure activities of the middle aged. *American Journal of Sociology*, 63, 152-162.
- Hirt, E., Zillman, D., Erickson, G., & Kennedy, C. (1992). Costs and benefits of allegiance: changes in fan's self-ascribed competencies after team victory versus defeat. *Journal of Personality and Social Psychology*, 63, 724-738.
- Irwin, J. (1977). *Scenes*. Beverly Hills, CA: Sage.
- Jones, I. (2000). A model of serious leisure identification: the case of football fandom. *Leisure Studies*, 19, 283-298.
- Kaplan, M. (1979). *Leisure: lifestyle and lifespan—perspectives for gerontology*. Philadelphia, PA: W.B. Saunders Company.
- Kellert, S. (1985). Bird-watching in America. *Leisure Sciences*, 7, 343-360.
- Kelly, J. (1987). *Peoria winter: Styles and resources in later life*. Lexington, MA: Lexington Books.
- Kelly, J. (1991). Commodification and consciousness: An initial study. *Leisure Studies*, 10, 7-18.
- Kelly, J., & Freysinger, V. (2000). *21st Century Leisure*. Boston, MA: Allyn & Bacon.
- Kerstetter, D., & Kovich, G. (1997). An involvement profile of division I women's Basketball Spectators. *Journal of Sport Management*, 11, 234-249.
- Kimble, C., & Cooper, B. (1992). Association and disassociation by football fans. *Perceptual and Motor Skills*, 75, 303-309.
- Kleiber, D., & Kelly, J. (1980). Leisure, socialization and the life cycle. In S. Iso-Ahola (Ed.). *Social Psychological Perspectives on Leisure and Recreation*. (pp. 91-138). Springfield, IL: Charles C. Thomas.
- Lee, M. (1985). Self-esteem and social identity in basketball fans: A closer look at basking-in-reflected-glory. *Journal of Sport Behavior*, 8, 210-223.
- Madrigal, R. (1995). Cognitive and affective determinants of fan satisfaction with sporting event attendance. *Journal of Leisure Research*, 27, 205-227.
- McPherson, B. (1975). Sport consumption and the economics of consumerism. In D. Ball & J. Loy, (Eds.). *Sport and the social order*, (pp. 243-275). Reading, MA: Addison-Wesley.
- Mittelstaedt, R. (1995). Reenacting the American Civil War: A unique form of serious leisure for adults. *World Leisure and Recreation*, 37(1), 23-27.
- Olmsted, A. (1993). Hobbies and serious leisure. *World Leisure and Recreation*, 35(1), 27-32.
- Parker, S. (1991). A society of work and leisure. *World Leisure and Recreation*, 33(1), 22-24.
- Parker, S. (1996). Serious leisure—A middleclass phenomenon? In M. Collins (Ed.) *Leisure in post-industrial societies*, (pp. 327-332). Eastbourne, UK: Leisure Studies Association Publication.
- Parker, S., Hamilton-Smith, E., & Davidson, P. (1993). Serious leisure and other leisure: Thirty Australians. *World Leisure and Recreation*, 35(1), 14-18.
- Putnam, R. (1995). Bowling alone: America's declining social capital. *Journal of Democracy*, 6, 65-78.
- Rainsborough, J. (1999). Research note: the concept of serious leisure and women's experiences of the Sea Cadet Corps. *Leisure Studies*, 18, 67-71.
- Rapoport, R., & Rapoport, R. (1975). *Leisure and the family life cycle*. London, UK: Routledge & Kegan Paul.
- Reid, D., & Mannell, R. (1994). The globalization of the economy and potential new roles for

- work and leisure. *Loisir et Société/Society and Leisure*, 17, 251-266.
- Romsa, G., Bondy, P., & Blenman, M. (1985). Modeling retirees' life satisfaction levels: The role of recreational, life cycle and socio-environmental aspects. *Journal of Leisure Research*, 17, 29-39.
- Riddick, C., & Daniel, S. (1984). The relative contribution of leisure activities and other factors to the mental health of older women. *Journal of Leisure Research*, 16, 136-148.
- Schor, J. (1991). *The overworked American: The unexpected decline of leisure*. New York: Basic Books.
- Scott, D., & Godbey, G. (1992). An analysis of adult playgroups: Social versus serious participation in contract bridge. *Leisure Sciences*, 14, 47-67.
- Scott, D., & Godbey, G. (1994). Recreation specialization in the social world of contract bridge. *Journal of Leisure Research*, 26, 275-295.
- Shank, M., & Beasley, F. (2000). Fan or fanatic: refining a measure of sports involvement. *Journal of Sport Behavior*, 21, 435-443.
- Shaw, S. (1992). Dereifying family leisure: an examination of women's and men's everyday experiences and perceptions of family time. *Leisure Sciences*, 14, 271-286.
- Shibutani, T. (1955). Reference groups as perspectives. *American Journal of Sociology*, 60, 562-568.
- Simmel, G. (1955). *The web of group affiliations*. New York: Macmillan.
- Stebbins, R. (1979). *Amateurs: On the margin between work and leisure*. Beverly Hills, CA: Sage publications.
- Stebbins, R. (1982). Serious Leisure: A conceptual statement. *Pacific Sociological Review*, 25, 251-272.
- Stebbins, R. (1992). *Amateurs, professionals, and serious leisure*. Montreal: McGill Queen's University Press.
- Stebbins, R. (1993). Social world, lifestyle, and serious leisure: Toward a mesostructural analysis. *World Leisure and Recreation*, 35(1), 23-26.
- Stebbins, R. (1997). Casual leisure: A conceptual statement. *Leisure Studies*, 16, 17-25.
- Stebbins, R. (1999). Serious leisure. In E. Jackson & T. Burton (Eds.). *Leisure studies: Prospects for the twenty-first century* (pp. 69-79). State College, PA: Venture.
- Stebbins, R. (2001). *New directions in theory and research of serious leisure*. Lewiston, NY: Edwin Mellen Press.
- Stevenson, C., & Nixon, J. (1987). A conceptual scheme of the social functions of sport. In A. Yiannakis, T. McIntyre, M. Melnick, & D. Hart, (Eds.). *Sport sociology: Contemporary themes* (3rd Edition) (pp. 23-29). Dubuque, IA: Kendall/Hunt.
- Strauss, A., & Corbin, J. (1998 a). *Basics of qualitative research: Techniques for developing grounded theory* (2nd Edition). Thousand Oaks, CA: Sage.
- Strauss, A., & Corbin, J. (1998 b). Grounded theory methodology: An overview. In N. Denzin & Y. Lincoln (Eds.). *Strategies of qualitative inquiry* (pp. 158-183). Thousand Oaks, CA: Sage.
- Turner, P. (1999). Television and internet convergence: Implications for sport broadcasting. *Sport Marketing Quarterly*, 8(2), 43-49.
- Turner, V. (1969). *The Ritual Process*. Chicago, IL: Aldine.
- University of Florida Athletic Association. (2000). Personal communication with Ticket Office Manager, September 7th 2000.
- Unruh, D. (1980). The nature of social worlds. *Pacific Sociological Review*, 23, 271-296.
- Vaughan, D. (1992). Theory elaboration: The heuristics of case analysis. In H. Becker & C. Ragin (Eds.). *What is a case?* (pp. 173-202). New York: Cambridge University Press.
- Walo, M., Bull, A., & Breen, H. (1996). Achieving economic benefits at local events: A case study of a local sports event. *Festival Management and Event Tourism*, 4, 95-106.
- Wann, D., & Branscombe, N. (1990). Die-hard fair weather fans: effects of identification on BIRGing and CORFing tendencies. *Journal of Sport and Social Issues*, 14, 103-117.
- Wann, D., & Branscombe, N. (1993). Sport fans: measuring degree of identification with their team. *International Journal of Sport Psychology*, 24, 1-17.
- Yoder, G. (1997). A model for commodity intensive serious leisure. *Journal of Leisure Research*, 29, 407-429.
- Zimmerman, B. (2001). Meeting the players. *The Gainesville Sun*, August 19th, p. 1-2.